

تیربا نواع مختلفه مشتم نمایند از قرار اختلاف سباب و اختلاف ترکیب و اختلاف موضع ولی ما در این مقام نیز یک
مجرای بول مرد از اسفیم تا نیم به قسم اول سوزنک عرضی قسم دوم سوزنک ذاتی مفرد قسم سیم سوزنک
مرکب با سیفیلیس

اما قسم اول عبارت است از زورم مجرای بول با ترشح ماده بیض اللون یا البصیرت و یا بیض خالص نذره مخلوط
بخطوط دموتیه و یا احساس بوجع در عین خروج بول و این مرض عرضی است حالت طبیعیه عامه مزاجیه را و یا برخی
از حالات غیر طبیعیه خاصه را چون نفوس ریاطیسم *Reumatismus* و ترلا فرمن مثلاً و حصه و رمل آلات
بول و فراط در شرب شراب کورتازه و اکل ترشی آلات چون ترشی بادبختان و غلغل فرنگی و امثال اینها و نوشیدن
نظایج و جزا و زبرد است قویه و در اطفال اغلب عرض است دیدان معدی و معوی را با احوال طهارت و عدم سزا
این قسم از سوزنک مختلف است برخی از این قسم را بواسطه جامعیت مسری دهند و برخی دیگر گویند که بذرت مسری
کرد ولی سزایت و زود انصوت مخصوص جمیع ندانند بلکه از حرقت ماده خارج و انداختن آنجا که مال محلول سنگ جنتم
یا بجز هر نوشا در صورت حدوث سوزنک کرد و این قسم از سوزنک نسبت بسوزنک ذاتی مفرد مختلف
پس است چهار جهت اول آنکه حاصل شود بدون جامعیت با انات دوم آنکه علاج منوط است بعلاج سبب سیم آنکه
شدت عوارض منوط است بشدت مرض اصلی و از علاج موضعی تخفیف نیاید چهارم آنکه رفتار مرض چون ریش
امراض در عیادت همیشه دیده نشده که مانند سوزنک ذاتی فوراً معدوم شده بآلت دیگر منتقل شود بلکه در همه اوقات
علاج ادوی نهایت متدرجاً میباشد

اما قسم ثانی عبارت از سوزنکی است که ظهور کند با علامات مذکوره فوق و مرضی است مسری و سزایت خود را
در هر یک از اغشیه مخاطیه خواه انف و خواه من و خواه مقعد و خواه فرج و خواه اذن هویدا سازد و در سایر اغشیه اینهمه
سوزنک ذاتی مفرد از سوزنک ذاتی مرکب با سیفیلیس از چند جهت متفاوتست چنانچه از تجربات مخصوصه واضح و بی
کر دیده اول آنکه فاعله حاصل از مجرای بول اشخاص مبتلا بسوزنک ذاتی مفرد بواسطه تماس لغتاً مخاطی دیگر صورت
خاص است دوم هیچ وجه این قسم از ریم بعد از کوبیدن در جلد نوع کوبیدن آبله گاوی باعث تفرخ مخصوص سیفیلیسی
نمیکرد و سیم آنکه ماده حاصله از شاخ سوزنک ذاتی مفرد نیز هیچ وجه در وقت کوبیدن بر جلد باعث تفرحات مخصوص
سیفیلیسی نمیشود چهارم آنکه علامات مزاجیه سیفیلیسیه هیچ وجه نتیجه سوزنک ذاتی مفرد نیستند و صحیح است
که اطمانیکه ضد این قول سیکویند به نیگولی آلات تماسی را که معبر ماده کوبیده بودند ملاحظه نمودند اندک چشم علامات
خارقه تشریحیه صحیحه با این سوزنک ذاتی مفرد و سوزنک ذاتی مرکب با سیفیلیس داریم چرا که ماده ریعی سوزنک مرکب
با سیفیلیس منجم کوبیدن موجب حصول تفرحات سیفیلیسیه میباشد بخلاف ده سوزنک ذاتی مرکب که مویش تفرحات
سیفیلیسیه نکردند و بدانکه در این از منته اخره معلم فرانسوی زگر *Zager* نام بواسطه این قسم تجربات معلوم نمود که سوزنک
ذاتی مفرد و سیفیلیس دو مرض مختلف میباشد دلیل اینکه ریم سوزنک ذاتی مفرد صد نفر را در انسی بران ایشان نوع آبله
گاوی کوبیده فقط باعث جزئی حیرت در مدت پست و چهار ساعت کردند و هرگز باعث تفرخ مخصوص نشد و
در صورتیکه ریم کوبیده سوزنکی موجب حدوث تفرحات سیفیلیسیه مخصوصه شود از نیگولا ملاحظه نمودن مجرای بول محلی
اشخاصی که صاحب ریم کوبیده بودند همه اوقات تفرحات سیفیلیسیه خاصه هویدا میکرد دیدند و اگر کسی بر دین قول
گویند که بسیار دیده شده که دو نفر مرد با یک ن جماع کردند یکی مبتلا بسوزنک ذاتی مفرد و دیگری سوزنک ذاتی مفرد

سفیلیس شد جواب گوئیم که در این قسم از انباشت سوزنک طاهر و تفرج سفیلیس مخفی و در حقیق بوده و یا اینکه در یکی از
دو نفر مرد استعداد سفیلیس موجود بوده و در دیگری نبوده و معلوم هر وقت انگلیس *Hande* نام حکایت نموده
از دو نفر متعلمین علم طب که همه بجز براس حشفه خود را بریم سوزنکی آلوده نمودند یکی از آنها ابتدا بوزم ری می رسد
حشفه و دیگری بوزم ری مجری بولی گردید ولی بدون تفرجات مخصوصه سفیلیس چون یکی از آنها ماده ری می
سوزنکی را بواسطه نشتر سخته گاه خود بطرز آبله گوید فقط ورم سطحی بدون تفرج عمقی حاصل گردید اما چون بریم
تفرج سفیلیتیکی را داخل مجرای بولی نمود در ابتدا مجرای بولی تفرج سفیلیتیکی حاصل شد و *Hande* نام
طب انگلیس که در علم مرض سفیلیس مهارت تمام داشت معتقد بر این بود که ماده سفیلیس در آلوده شدن آبله
قابل ترشح طبیعی باعث سوزنک است و در آلوده شدن نسبی که در مهالت طبعیه ترشح نمیناید بدو باعث تفرج
سفیلیتیکی اولی قولی است ضعیف بر آنکه اگر چنان میبود باید است بریم سوزنکی وقت ورود و در حقیقت تفرج
سفیلیتیکی و بریم تفرج سفیلیتیکی وقت ورود با غشیه مخاطیه سبب سوزنک گردد و حال آنکه شکل نیست که بریم سوزنک
بسیج در جلد باعث تفرج نشود و فقط در غشیه مخاطیه موجب ترشح بریم گردد و چون سوزنک ذاتی را
یا مفرد و یا مرکب سفیلیس دانیم و در جمیع اوقات بر طبق لازم است که در مابین هر دو قسم امتیاز تمام و پس
باید دانست که همه تشخیص مابین هر دو بهترین رفتار از این قرار است که ماده سوزنک شخصی در دران همان شخص
بواسطه نشتر بطور آبله بکوتند اگر چنانچه سوزنک مفرد باشد جزئی برآمدگی حمرا اللون بروز خواهد کرد که در مدت
چهار ساعت معدوم شود و اگر چنانچه مرکب باشد سفیلیس مخفی در مجرای بولی زکومیدن آن ماده در دران آبله
تفرج عمقی حاصل خواهد گشت که من جمیع ابهامات با تفرج سفیلیتیکی تفاوتی نخواهد داشت و اما در صورتی که صفا
مرض بسیج بکوبیدن ماده سوزنک در دران راضی نشود باید رجوع نمود بذره پن و دانست که در بریم تفرج
سفیلیتیکی جمیع اوقات حیوانات جز صغیره موجودند و در بریم سوزنک مفرد بسیج موجود نیستند
چون علامات داخلی سوزنک ذاتی مفرد و سوزنک مرکب با سفیلیس از یکدیگر خندان اختلاف ندارند پس هر دو
در اینجا در یک عنوان بیان نمایم و بعضی از علامات و معاینات مخصوصه سوزنک است من بعد در موقع خود بیان خواهد نمود
پس بدانکه میجان و ثوران و ورم ذاتی مجرای بولی مطلقا موزانند نقشا مخاطی و حده و نادرا گسرت منجم
مغزلی غضب نموده و میجان دم در او عمل آورده باعث تند شدید و لغوظ متصل الت گردد و مکان ورم
بواسطه الت ظاهر گردد بدین نوع که لمس در مکان ورم باعث شدت و جح سیکرد و خود و جح نیز مخلع است
که برخی از اوقات بسیار قلیل است شپه بگله و بعضی از اوقات دیگر شپه بانکه حیوانات غریبه حرکت نمایند
و یا جذران مجرای بولی را از یکدیگر جدا نمایند و برخی دیگر چنان احساس کنند که بول متصل در مجری موجود است
و برخی از اوقات دیگر احساس نمایند بوجعی مثل جح اعانه رولی در هر صورت و جح در اعنای خروج بول
شدت کند و چون الت نفع نماند که این حالت ابرانه شود پیش کوز *Hande*
نامند الت نسبت سفل منحنی شود که این آنجا بخصوص باعث تریاید و جح بی نهایت است و خروج بول در
هر وقت اوق از حالت طبعیه است سخته آنکه مجرای بول بواسطه غلظت بهم رساندن جدار خود منقب گردیده و
اوقات مضیق و بند آنا و کی احس شوند و بندرت هم همی جزئی موجود است و این علامات مخلع نامند
بشتالی در روز در حال تریاید بعد تا چند روز همین حالت که بود باقی ماند و بالاخره یا تدریج معدوم
مریض

مرض شفا یابد و با علاج تمام اشفاق تهناده مرض نرسن گردد ولی در فرسنت اغلب و جمع و نفوذ معدوم نشود
 عطف جزئی ترشح غیر طبیعی باقی ماند و در قوت سرامت و زیاد کند از جهت افراط در اغذیه و دویه حاره و تویید
 سکر است و او دویه دتره و ششی زیاد و کثیف یا بد از هم آنها
 مقدار و کیفیت ماده خارج نیز مختلف بعینستی در یکجا میگردم ورم خفیف بود غلظت ریم شدید غلظت روی سکر است
 و صفرا یابی بعضی لی چون ورم شدید باشد ریم حیدان غلیظ نیست و مقدار و اقل و لون او جزئی باین سکر است
 هست بلکه برخی اوقات از شدت ورم ریم دموی ترشح میگردد و از تا شیر مواریم سوزنگی خفیف بدن نسبی گردد
 و برخی از اوقات این تغییر لون هم در خود مجرای بدون اثر بخوا ظاهر گردد و در انصورت راس حشفه متلا شود
 بجمرت و اناس و وجع

بدانکه هر چه باعث سحجان امعا منفلی است در حالت سوزنگ امر مخصوص در مجرای بول نماید
 هر چند اغلب مرضی طفت سوزنگ گردند تا وقتی که ماده خاصه ترشح شده باشد ولی متبیل از انکه بنای این ترشح
 شود مجرای بول در حالت سحجان و ثوران خاص است و بنا بر این در رفتار سوزنگ و درجه شخص است یکی
 درجه ورم یا بس و دیگری درجه ورم رطب و طول و ام درجه یا بس کمر است هر چه مرض شدید تر بود و خود در اطراف
 سازد بجزارت غیر طبیعی مجرای بول و حکم این حشفه یا سبب متصل با در بول که در وقت عبور او از مجرای شش
 یا تب داغ است که از او بگذرد و بعد از خروج او وجع زیاد نماید از اثر توقف مقدار جری بول در حریف در مجرای
 و نفوذ آلت نیز باعث تزیاید و جمع است و از سراسر حشفه و سحجان تسند و وجع بروز کند و این درجه در بعضی از مرضی
 پیش از چند ساعت میگذرد و بعضی دیگر تا پنج الی شش روز موجود است تا مبدل شود در درجه رطب که در او غشا
 مخاطی ابتدا نماید ترشح مقدار قلیس یا کثیر از ریم با لوان مختلفه و وجع و تشنج و نفوذ آلت اغلب اوقات علی الاطلاق
 موجودند سهل است که در مدت هشتالی دوازده روز تزیاید نماید و بعد از مدت مذکوره ماده زمی رست و قیض
 اهنون شده و وجع متدرجا قلیل و با لآخره فانی گردد چون متصل استعمال دویه لایقه رجوع کرد ترشح نرسد و
 معدوم شود گر انکه بواسطه نابریزی و عمل جماع و اثر برودت در جلین و بیوست فراج و نوشیدن اشربه
 سکر و مجددا وجع و ترشح تزیاید کرده مرض نرسن گردد

هر چند اغلب اوقات رفتار مرض تهناده مذکوره است ولی برخی اوقات علاوه بر فرسنت بسم ورم مجرای
 بول مرکب شود با مثل کرد و سوزنگ کاذب و وجع شدید سحجان و تمدد بند مضمه و نقل در مضیق و منسوق در مجرای
 بول و چون سوزنگ بطور فوری علاج مانده اغلب مرض مثل شود بالآت قریبه و یا بعیده چنانچه برخی اوقات
 ورم چند یا مضیق و برخی اوقات دیگر ورم مشابه عارض گردد و بندرت هم معدوم گشتن سوزنگ بطور فوری
 باعث وجع شدید رگه و جلین شود چنانچه در مضمه اول از قسم سیم از امراض آلات محرکه که فصل اول از باب
 اول این مقاله است ذکر کرده و چون از قریه یک قبل بیان کردید مرض نرسن شود و از زمان زیاد بطول سحجان
 باعث حدوث منسوق مجرای بول شود

اما علاج بدانکه علاج سوزنگ ذاتی مفرد مختلف است نسبت بدرجات و در درجه اولی عینتی درجه بیوست
 چون علاوه بر علامات مذکوره در بعضی از مجرب بود بهترین هشار این بود که مریض اولاً از دوی قضا نماید بجهت
 آنکه خروج دم از اول باعث تخفیف جمیع علامات آئیده است و فوراً میخندد و بود در صورتیکه سحجان با لفظ

در مضمه

Conium

شدت باشد و نیز از نور غلات سهل بر قش از این لکت تواریفی حقیقت

که نوزاد در غلبه از قرا و این شغایه مذکور شده بمصاحبت شولفات و دود و
 خوشه و شوی به آنکه آنرا میدن سهل در اول امر موجب تخفیف میمان معاینه است که ربط نامی بجای بولی دارد
 ولی استنباط نریود زنی و مسهلات حاره و قویه کانی آنکه بر نفس الت خود را بقدر امکان در مابار و وضع نماید
 را بعلا لازم است آنکه اجتناب نماید بر نفس از جمیع حرکات عینیه و اغذیه مقویه باید بقدر قلیل بنوشد و هر چند در عمل
 نمودن این چهار وصیت بر نفس شغایه بولی مرئی نشده که کسی باین چهار وصیت رفتار نموده باشد و هنوز نیک
 روی بستل شده باشد اما چون مرضی نماید در درجه اولی رجوع بطیب کند اغلب اوقات مرض زده است بهر
 مبتدی بدرجه ثانیه شود و در این درجه بهترین رفتار طبیب از این قرار است که مدت دوائی بند روز از دو و اجتناب
 کند تا ترشح قرار گرفته باشد و چون در این حالت همی موجود بود و در غلبه بر ضد که در ابتدا شده است وضع غلق بر بجان
 بسیار مضد بود ولی باید در این حالت استنباط نمود از جلوس در مابار که مضراست و جلوس در مابار است
 چار است و شش درجه عینه خواهد بود بشرطیکه روزی چند دفعه بدو کر رجوع کرد و از داخل لی نهایت میند
 نوشادن یک کدم کلل هر دو ساعت در مدت چهارالی پنج روز و لازم نیست که شش که در این ضمن بخدمت
 بدن مطلقا با بر نیز نام شش ط کلی اند و اگر در این قسم علاج بجان بعضی تعجب بود ولی از تجربیات کما که گوئیم که هم خروج
 دم و هم کلل در این جاست و درمی خاص اند و اگر چه سوزنک اتی مرضی است حادثه از ماده مسر به خاصه و ضد
 و سایر تدبیرات ضد و ریمان ماده را زایل نمایند ولی مگر کلی بند در زایل ساختن ورم شده که نتیجه اثر آن ماده
 خاص است و هر کس با وجود این دلایل اعتنا نماید اقله خود تعجب نکند تا از تاثیر بی نهایت نیکوی رفتار خاص
 این بغیر خاطر جمعی حاصل نماید

Nitric de Potasse

و در این ضمن اشربه از شیر بادام شیرین یا بادام شیرین یا بادام شیرین از فی تریات و دوتوناس

نیز مضد بود و تجاظر اینکه بر نفس اشربه مضره چون جامی و هوه را میل نکند نیکوست که او را مشغول سازیم
 نفوس حاصل السوس و عرق کاسنی و امثال آنها که شفقتی ندارند الا آنکه مضرتیست و بسیار از اوقات تعجب نمودم
 از طبیبان معروضه که در درجه حدت پی علاج داخلی و خارجی میگردانند که جهت مرضی صعب العیند و در سنو است
 بعد از قلب اثر روی آنها خواهد کرد و در زهر نوع ادویه است که آنها را جناب کنیم در سوزنک اتی مفرد حاو و طبیبانی
 در ضمن او مضایقه از بعضی از آنها تا نیمه بلکه بر عکس در آن حالت آنها را خاص دانیم چنانکه آنها را مضر گوئیم در حالتی
 که جمیع علامات میمانیه ورم حادثه واضح و معین بودند و چون از قرار تفصیل فوق در مدت پنج روز علاج
 درجه لطفه را نمودیم و مرض نیکوی بر نیز دستراحت بدتیه را مراعات نمود ترشح بقاعده میشود و لازم است
 که ترشح ماده را بمان حالت نگاه داریم و فقط بر رفع نفوظ و وجع پروازیم بواسطه قرار دادن صفح بند و بدین
 است بمریم زینق رمادی که باید زودتر یادیر ترا و را عوض نمود از قرار آنکه مقدار ترشح کثیر یا قلیل باشد و از روز
 دوم این عمل وجع بالمره فانی گردد و در مرضی تواند مشغول شغل خود شود بشرطیکه از سواری اسب و کالسکه و از زیاد
 شنی جناب کند و پرنیز نماید از گوشت و مسکرات و غذای خود را بظرف کرب بیویات بچشم و هر چه که نبرد
 با قوه بود و قوه شیه او قلیل باشد

در هیچ دوائی دیگر لازم نیست ولی چون خود مرض طالب بد و خوردن است او را شکر شیر یا چیز دیگر غیر ضرر مقدار

قبلی تجویز نمایند که بی دوائها چون مرهم خاکسری به شحانی کافی در علاج است و در اینجا تریزین مرهم ضدوری
 ز ضد سفیدی است و بیسج نیز مثل او باعث کثیف تشنج و نفوذ و زوال وجع در حین بول کردن نیست و اگر چه خود
 ترشح باعث کثیف آن علامات است ولی همان ترشح از تریزین مرهم از ویادی پذیرد بنوعیکه زودتر بمغز خود
 میرسد و بیسج نوع علاج مانند این مانع از تشنج مجرای بول نیست و از استعمال مرهم رمادی به شحانی ترشح ری میسر
 کثیر و بعد قلیل مانده معدوم کرده و بسیار بندرت دیده شده که این قسم از علاج تا چهار هفته طول کشد
 و بعد از این قسم علاج مخصوص مذکور علت شحایا بدون تشنجت و چون مزمن شود و بسبب بر خلاف عمل
 یا ناپدیدیت و در صورت از زمان زود نوع خارج نیست یا آنکه در هفته ششم الی هفتم در مرهم بسیار غلیظ و قلیل
 کشته خروج بول دیگر باعث موزش باشد و در حین نفوذ وجع قلیسی در آلت باقی ماند ولی وجع قطن
 و رگتین عارض و مرض استلابکالت و سوء خلق و قضیب طولانی و مسترخی کرد و دو صفت پسندنازل شود
 بتدریج در بند سگال قلت و کثرت ترشح ری و وجع قطن منوط به مریز و ناپهیزی مرضی است و یا آنکه شدت علامت
 تخفیف یا بدولی وجع در حین خروج بول یا در وقت نشردن آلت یا در حین نفوذ باقی ماند و قضیب مسترخی
 مثل قسم سابق نیست بلی اسباب محرکه جزیره باعث خود کالت حده اولیه است و باقی نوع طول دوام مرض
 سالهای سال می انجامد و برخی از اوقات بقیه ترشح غائی کشته عوض اولی در سخت قضیب برزگت
 باعث عمر بول و وجع شدید در حین عبور بول از آن موضع شود و کالت تمام و سوء خلق که در قسم اولی موجود بود
 اغلب در این قسم موجود است و علی از عمل جماع جمیع علامات زودتر از گذشته

بکس

بخوس

اما علاج سوزنگی ذاتی مفرد مزمن در این باب بدان که قسم علاج از عمومی و موضعی را طبایان شده
 و بجهت تمام مطلب تفصیل آنها را در اینجا بیان نموده ام و اولی و الا بطور اختصار رفتار مخصوص خود را در اینجا ذکر نمایم
 پس بدانکه بنظر حقیر حالت مزمنه از دو حال خارج نیست یا با وجع است یا بدون وجع و علاج هر یک از آنها مخصوص
 که در حالت از زمان با وجع استعمال موضعی مرهم سحالی اللون بجزینه نماید بکجا سیکه در پشت جزا و یک جزا کافور مسوق
 داخل کرده بر روی تفنگ کشیده بر آلت وضع نمایند و چون وجع در خانه و سایر مواضع نیز موجود باشد مرهم
 مذکور را در اینجا نیز ترشح نمایند و بجهت دفع نفوذ از داخل مقدار جزئی از اینون به شحالی و یا بطور قویتر و قویتر
 در آن مواضع با شربت و وجع در حین بول بعد از خروج بول باقی باشد بکلی اجتناب نمایند
 از او و در داخل و حاکم بسیاری از اطباء معروفه آنها را باعث تشنج مجرای بول دیده اند اما بیسج چون نیز دخول او
 در مجرای بول لازم ندانیم و چون بدین قسم رفتار وجع بالمره غالی کردید بسیار کوتاها بود مدتها در حین روزی
 سه دفعه بنسب دفعه است فقطه یا به شحالی بروی قند کوبیده و یا مخلوط بنصف زرده تخم مرغ و یا کبچول او
 بر جوع کرده و هر چند در این حالت و بدین مقدار بسیار نافع دیدم ولی هرگز در ابتدا سوزنگ حاصل نشود
 که در فرساده او دیده شود در این ندریده ام و احتیاج به استعمال او در ابتدا هم نیست بجهت آنکه در این علاج مزمنه
 فوق از بهر بابت کافی است

چون بعضی از مرضی بجهت بد طبعی این دوا را نتوانند میل نمایند رجوع نمودیم بجهت زکون با نواز قرار دستور عمل
 معلم و لپیز که در قرابادین شفاینه ذکر نمودیم
 در برخی از مرضی که بیسج استعمال کوتاها بود ارضی نشود مفید دیدیم حتی در آن قرار این نیز بکیرند مغز و عصاره

طبایان

خطیانا از هر یک سی و شش خود کات کلابی و زجاج حاجی طرخانی از هر یک بجهده کندم بهم مخلوط ساخت
 دوست حب سازند که مرض روزی چهار دفعه هر دفعه ده عدد میل نماید و بدیل گوناگون برخی از اوقات رجوع
 نمایند شش جز تقصین بز زور بخان مخلوط یک جز تقصین افیون سیصد بنام *Opodelanthem* که در بعضی
 سالی چهار دفعه هر دفعه است قطره از او در میان آب بشد بنوشد و برخی از اوقات دیگر بی نهایت بخوردیم
 استعمال روان بدین نوع کبچ شقال در آب با بجهده بخورد و یونجه حسنی و بجهده خود پوست کنده که موقوف است
 بجهده خوراک نموده روزی شش خوراک او را بتدبیر مخلوط با آب بشد کرده بنوشانیم و در مایوسی رجوع کنیم
 بعضین جنفل که سخته او را بتقرار است که بکیر جنفل درست نیم کوب کرده شقال تو قفل کشش عدویا و بان خطا
 بجهده بخورد و عفران سه خود استات دو پوناس *Acetate de potasse* پنج شقال استار
 در مدت یکماه در پشت سیر الکل است و در به نفوع سازند بعد بخانند و از کاغذ تصفیه نمایند و قرار اشامیدن
 تقصین جنفل بدین نوع است که مریض در مدت سه روز هر صبح ناشایک شقال و نیم از این تقصین بخورد و دیگر شش
 کهنه میل نماید و روز چهارم موقوف دارد بعد مجدداً سه روز بطور سابق میل کنند و باز یکروز جهت ناب نمای
 و تا بتقرار رفتار کنند تا بیست و پنج مقدار نوشیده شود

اما طریقه علاج اطباء معروفه فرانک یا موضعی و یا داخلی است و موضعی آنجا بدین تفصیل است
 اول و معروفترین دو موضعه استعمال غیر است و از آن *Militate de* است که یک کندم او را
 در پنج شقال آب مقطر حل کرده بواسطه آنکه سوزناک بوری روزی یک دفعه در مجرای بول داخل کنند و با آنکه
 میسالی ششکی را آلوده کنند با این مرهم بکیر غیر است و از آن پنج کندم افیون و صمغ عربی هر یک چهار گندم
 مرهم ساده پنج شقال و سیل آلوده در روزی دو دفعه داخل مجرای بول سازند

دویم *Acide nitrique* است که چهارالی پشت قطره او را در سی شقال آب باران
 داخل نموده روزی یک دفعه بدو اما آنکه و اطباء می که این قسم اما که را شرت داده اند گویند که اثر او بسیار
 با اثر غیر است و از آن ندارد و استعمال او سهل است بدلیل آنکه لباس بدن مریض اضایع نخند و محتاج بآب مقطر هم
 نیم میان گوناگون است بدین نوع که روزی سه دفعه حخته نمایند مخلول سه شقال گوناگون در بجهده شقال شیر بادام
 شیرین که یک شقال صمغ عربی مخلوط داشته باشد و دو شقال آب مقطر بادام تلخ و این علاج بخصوص در اطفال
 بواسطه عمل طیب معروفه تا در *Acide* نام شیوع یافته

چهارم شولفانت دو گوناگون *Acide de zinc* است که طیب معروفه فرانسوی بزبان *zinc*
 نام رج کنندم او را در سی شقال آب مقطر حل کرده روزی سه دفعه بدو اما که میگوید
 پنجم شولفانت دو زنگ *Acide de zinc* است بدین نوع که بکیر از او چهار کندم
 و آب مقطر ده شقال و آب مقطر بادام تلخ و شقال نیم و تقصین افیون سی و شش قطره بنیکولی بهم مخلوط کرده در
 دو دفعه با این ترکیب مال کنند

ششم *Canthar* است که پنج کندم او را در یک سرو نیم آب مقطر مخلول ساخته روزی یک دفعه بدین
 مخلول مال کنند و بی شرط لازم این قسم علاج است که دفعه بعد دفعه مخلول امجد و بعد از آن در بدلیل اینکه
 این مخلول نماند مگر که نصف او در شش بماند بقول عوام بچکنند یعنی نبات صغیری مانند نخ حادث کرده و

که در وقت دردی بجای بول باعث شدت مرض است بعکس محلول ناز که باعث تخفیف شمع علامت است
مهم است تخفیف صبر زرد و با کل که صدوست قطره از آن تخفیف را بسی استعمال آب مخلوط کرده روزی سه
هر دفعه بقدر کفایت حقه نمایند

هشتم *تونیزانت* و *دوئی* *تونیزانت* *de Obisynth* است که بیچ شمال و رادوخل سنج
کلاب کرده هر روز سه دفعه با مال کنند و چون که ترشح قلیل شد روزی دو دفعه کافی است و بعد از آن
تعدوم شدن ریم باز چند روز شب یک دفعه مال نمایند تا مانع گردد و کس علت را و لازم است که در هر
استعمال این دوا به نکولی ادویه و تخفیف نماید اما اجراءها مخلوط کردند

نهم محلول *زنگولر* و *دو* *Bechlarum de fer* است بقوام سی درجه که در سه صد شمال آب مقدار
بیچ الی صد قطره پر کلور و در مخلوط سازند و روزی سه مرتبه مال کنند و چون وجع حادث از این دوا
شدت یابد فوراً دو سه دفعه با آب سرد مال کنند و در مدت پست و چهار ساعت اجتناب از محلول این کنند
و در استعمال کربا و باز مقدار را همین را ناقص نمایند

از آن محلول

دهم استعمال موضعی کلل است بدین نوع که میل صوف و راست گرفته که در کنا سیرا و ثقبه بود و سر آن میل
بواسطه آن ثقبه مخلوط سازند از کلل بعد میل را تا موضع علیل فرو برند و بواسطه حرکت دادن معشولی در میان
میل کلل را خارج سازند و در حین این عمل میل را حرکت دوری دهند تا با طرف موضع علیل متفرق گردد و
یا اینکه مرجهی از یک جز کلل و یک جز عصاره بادند و دو جز عصاره *Antaria* را تا نیمه و هشت جز
مرهم ساده ساخته میل را شیک کنی را بد و آلوده کرده در مجرای بول روزی یک دفعه داخل کنند

یازدهم وضع شمع زراچ است بر رکه که طبیب انگلیس *Deane* نام در پست نقره بلابونز تکسین
استعمال نموده بدین حال که در نه نقره وضع شمع یک دفعه کافی بود و در چند نقره دو دفعه لازم کرد و در ششانه
در یک نقره دفعه بد و رجوع نمود ولی هر پست نقره شایانند و محتمل است که این حاصل نکولی هم از زبط مجرب
ما بین مجرای بول و مفصل رکه باشد و هم از هیجان که در استعمال داخلی یا خارجی زراچ بر شانه و محسوس
بول عارض میگرد که این هیجان حالت نرمیت یعنی داده باعث شفا گردد

اما علاج داخلی اطباء معروفه *فرناک* *اول* طرز علاج *طبیب* *دنیا* *انی* *اطوار* *ترین* *Samara* از آنست
که روزی سه خوراک هر یک خوراک یکندم کلن بر صیغ میوشاند و بعد در مدت سه روز هر چهار ساعت
یک قاشق چای خوری زاین نقره در پست و چهار شمال *اشعیر* *نوشند* *بگیرند* *موز* *ریاست* *دو* *موز* *ترین*
Alurate de Morphin و کندم این *پرز* *دو* *قطر* *سیوم* *بسیوم* *سوی* *شش*

کندم لبان گویا نه صد و ششاد قطره دهن فراری کبابی سی صد و ششاد قطره کار نیات دو پطاس
Carbonate de potasse صد و ششاد کندم محلول در کبیر آب و سوای این دوی در اختیالت را می بچاند
بدستمالی مبلول محلول نیات دو پطاس *Metale de m* و سفارشش میباشد که او را متصل
در حالت رطبه نگاه دارند و بعد از سه روز از این قسم علاج روز چهارم سه خوراک کلن را میوشاند و بعد از
اول و روز پنجم ششالی دوازده شمال *نک* *فرکی* اصل مصنوعی بخور میاید و از روز ششم تا بعد صبح
یک قاشق چای خوری ز نسخه *موز* *ریاست* *دو* *موز* *ترین* که قبل ذکر کردید در ماد *اشعیر* *میوشاند* *و* *چون* *ترشح*

موجب کرد

معدوم میگردد و بر قسم علاج را سوختن مابودن برضی دردت کثیر بر دور روز که فیه با سنج خورده
 دوم طرز علاج معلوم معروف نماوی گرفت *Hydrochlorite de Chau* بطور صبا محلول شلابیکر نازد و ای مذکور شست کندم عصاره افیون با
 نکندم لعاب غلیظ صمغ عربی بقدر کفایت تا پنجاه و چهار حب شود و هر حب یک تا کند یک حب هر دو الی سه
 ساعت که فیه و متدرجا این مقدار را بنفزا تا در هر ساعت شش حب نوشته شود و یا بیکر نازد و ای مذکور
 شست کندم شیر بادام شیرین پنجاه مثقال شیره قند پنج مثقال و ابتدا کتدر در هر ساعت یک قاشق چای خور
 و بتدریج زیاد نماید تا مقدار مذکور در یک روز نوشته شود

سوم طرز علاج طبیب معروف فرانسوی آئی ال ژوستو *Emile Cloussau* نام است بویطریکروزوت
Creosote محلول در آب بنوعیکه از پنج الی ده قطره کروزوت در دست و چهار ساعت بتدریج نوشیده
 شود و طبیب مذکور در وقت بسیار مفید دیده بشیرطیکه در وقت استعمال ظرف حامل دوا را خوب خنک دهند
 ولی مادر صورت استعمال داخلی کروزوت او را در سرکه حل نمایند که بسیار زود در داخل شود و بواسطه
 دخول قند شربی ترتیب میدهم سهل الاستعمال و طبیب مذکور در وقت قبل از سوزنک بسیار مزمن دردت کما
 و حل روز شفا تا حاصل نمود

چهارم علاج بعضی است که صبح و شب سی قطره او را در شربت قند بنوشند یا بریزند از افندی و امربه حاره
 بالقوه که این قسم علاج را دو نفر طبیب فرانسوی *Richon* و *Desmarest* اشرار نموده اند
 پنجم استعمال داخلی *Chloroform* است بمقدار دو کندم صبح و دو کندم شب که طبیب فرانسوی *Dupuy*
 نام در این علت بی نهایت مفید دیده

اما سوزنک ذاتی با سیفیلیس چنانچه قبل بیان نمودیم علامات و علامات سوزنک ذاتی مفرد تفاوتی ندارد
 دارند و تشخیص از یکدیگر داده شود از واضح بودن تقرحات سیفیلیس و ابتداء مجرای بول و یاد در اسه خفیه و
 این قسم از تقرحات منظر مشاهده کردند تشخیص حاصل خواهد شد از کوبیدن ماده ری سوزنک از نهادن او در
 ذره بین چنانچه مفصل متبل از این همان گردید و چون علاج این قسم سوزنک متوسط است بر فیه حالت مخصوصه که
 عبارتست از سیفیلیس نهادن فشار شود از قرار می که در مفره آمده در باره علاج سیفیلیس ذکر نمود و تا پس مذکور در علاج
 سوزنک ذاتی مفرد در اینجا نیز متدکلی خواهند شد

فصل ششم

در بیان تقرحات مخصوصه قضیب که عبارت بود از تقرحات سیفیلیس و در سیفیلیس عام یعنی کوفت
 بدانکه سیفیلیس چون مرضی است سری که بر قسم اتصال و بخصوصاً در قسمت سرایت از شخصی شخصی نماید
 و در این صورت اغلب اوقات علامات اولیه او در قضیب بطور تقرحات مخصوصه که *Chancre*
 حاصل میگردد از علامه بر ملاحظه این علت موضعی تقریب سیفیلیس عام را نیز در این مفره بیان نماییم و اگر چه اکثر
 علامات دیگر سیفیلیس در جلد و غشاء مخاطی و ان و پستی و در عظام و اقل علامات در قضیب بود اند و
 جبهه می تواند کسی ایراد کرد که چرا سیفیلیس را قبل از این در عنوان امراض عامه ذکر نمودیم جواب گوئیم که اولاً
 عمومیت سیفیلیس با تدمعویت ورم دوق و سرطان و فاقرا یا وسله و تقرح نیست و ثانیاً آنکه سیفیلیس مرضی

که سرایت

که سرایت او با واسطه جلد خارج با واسطه جلد داخل حاصل میگردد ولی چون اغلب اوقات سرایت سیفیلیس بواسطه
جماع حاصل شود و علامات اولیه در آن غرضب هوید گردند لهذا این مرض در عنوان امراض شامسلی میبودیم و اینست که
بعضی نقیصات عاده و بعد هر یکی از قسم سیفیلیس را فردا در میان بنماییم :

پس بطور عموم بدانکه سیفیلیس که بیم و زلزله *Mercuriale* و هم مالادی فنترن *Maladie mercurielle* نامند
اورا با عقا و البته از اطباء فرانک در فرانکستان وجود داشت که بعد از تصرف نیکه دنیا یعنی بعد از سنه هزار و
چهار صد و نود و پنج عیسوی ولی از ملاحظه کتب قدما چنانستفاد شود که این مرض در از سنه ساله هم موجود بود
علاوه بر این که قبل از رجعت قشون دولت اسپانیول از نیکه دنیا بعضی از سلاطین و حکام فرانکست
قوا عد کلیه جهت منع این شیوع یا حتی این مرض را داده بودند و در هر صورت سیفیلیس مرضی است که خود را هویدا
سازد با ضربه مختلفه و سرایت کند بواسطه ماده سیریه خاصه که چون بر خورد و موضعی از مواضع بدن که قابل جذب او
بود اول اثر موضعی و بعد اثر عمومی نماید بنوعیکه شخصی سیری علیه قابل این گردد که خود نسبت با اشخاص سالم
دیگر قریب سرایت نموده و این ماده سیریه به شغالی در آن اثر خود را ظاهر میسازد و در حین این همچو جراثیم هوید
میگردند و حقیقه همانند این ماده سیریه تا بحال شناخته نشده بدلیل آنکه خرنی ریم یا بلغم یا فلسی است که تاریم و بلغم
و فلس و کرفاوت خاص معین ندارند و اگر هم داشته باشند این تفاوت تا بحال ظاهر نگردیده مگر آنکه بواسطه
زهره پن هویدا گردیده که در ریم سوزناک ذاتی مریب سیفیلیس حیوانات چه صغیره موجودند که در ریم و ماسیل
ساده و غیره وجود ندارند ولی در بلغم غشیه مخاطیه و در ماده ریمی شکل تقرحات سیفیلیسیه یا حیوانات تاکنون
هویدا گردیده اند بنوعیکه وجود آنها علامت خاصه نیست و این ماده سیریه خاصه ماده است با عدم حرارت که
تا در اوج حی و اغلب به شغالی باعث همچان و تورانت ولی این همچان و توران میل به نهایت میمانند
دارد و ریم غیر سالم حاصل از او سهولت اطراف خود را متاثر میسازد :

بدانکه ماده سیریه سیفیلیس اثر خود را با قسم مختلفه ظاهر میسازد و مریب اشخاص سیفیلیس همچو مفریت بلکه به شغالی
ریم و بلغم مترشح از آنها موجب سرایت باشد و اگر چه اغلب اشخاص قابل این اند که تا بشره شخص سالم فانی و با مخرج
نشود ماده سیریه منجذب گردد ولی چنینست و گردیده شده که پوشیدن لباس اشخاص سیفیلیس باعث شد
این علت در شخص سالم گردید در صورتی که این قسم لباس بدون انفصال بجلد تماس نمود به مجز گردیم از آنجذاب
ماده سیریه از نیکه موضعی از مواضع بدن بنای ترشح ماده سیریه گذارد خواه در غشیه مخاطیه خواه بطور تفریح خواه بطور
تکم صلب و خواه بطور که در جلد خواه بطور خارک و رهند و اریه به مدت آنجذاب و تا بر روز علامات اوله مختلفه
که برخی از اوقات این اثر در روزده ساعت دیده شده و برخی از اوقات دیگر تا پانزده روز علاوه بطول انجامید
پس استعداد با آنجذاب در سیریه مختلفست و در برخی از اشخاص بی نهایت شدید و در برخی دیگر قلیلست
و بندرت هم بعضی از اشخاص از سرایت و معافانند و در جوانان استعداد پیش از شیوع است اما سن شیوعت
نیز یکی از مریب سیفیلیس معاف نیست و بطور عموم میتوان گفت که استعداد این مرض مختلفست نسبت با سیریه
سالمه و غیر سالمه مثلا انزجه خازریمه و طعمیز و در تر از سایرین سیفیلیس مستلما شوند و چون سیفیلیس در شخصی بروز
نمود اعم از آنکه ضعیف البنیه یا قوی البنیه باشد افراط در غذا نیز باعث شده مرض است و بدین جهت
در بعضی بلاد فرانک بواسطه اساک کلی و او در خرنه سیفیلیس علاج باید چنانچه مفضلارا و اخرین مفره ذکر خواهد شد

و بعد از بر افراط غذا و حج عظیم سیفیلیس و آنرا کاکلیانی شدت پذیرند و سهل است که هر چه غذا بیشتر نوشیده شود مانند این است که به شحالی قوت بمرض دهد و بسبب بر تشبه بدن مرخص نیز آید
 بعضی از امراض دیگر چون خذ و نسیفیلیس ابتدا سازند اثر خاص بر علامات سیفیلیس دارند چنانچه در عرض جدری جمیع علامات سیفیلیس معدوم گردند ولی بعد از علاج جدری علامات سابقه سیفیلیس مجدداً ظاهر شوند و از تفرغش منتهی گردند و تقویت نماید علامات سیفیلیس بکلی معدوم شوند و بعد از علاج آنها خود سیفیلیس هم نماند و از تجربیات اطباء معروفه فرانستان چنان استفاد کردید که اشخاص مستیلاً سیفیلیس عمومی عارضه معارف باشند از عرض با علامات این علت نیز در امویه حاره خفیف و در امویه بارده سهولت ردی گردند

و وام سیفیلیس اغلب طولانی است و ما در امولک شود در صورتیکه بعضی امراض است نموده و باعث تفریح عظمی گشته حتی متصل بدو مرکب شود و یا آنکه بتدریج باعث هزال بی نهایت گشته بهلاکت رساند بسیار در اطفال برخی از اوقات هم هیچ بشیر عمومی در بدن از او بهرند بنوعی که مرضی در کمال فریبی و سلامتی ظاهر است

زیت نمائند
 و چون اتفاق می افتد که شخصی که مبتلا سیفیلیس بوده با وجود علاج یا حتی بقصدی طب خود را بحالت صحت رسیده داند لکن از تجربه تشخیص و تعیین بر طبق لازم است که بقدری یا مرض سیفیلیس قدیم باقی مانده است یا نه و در قسمی شارب طب از بودن و نبودن بقیه سیفیلیس خاطر جمعی حاصل خواهد نمود اول نافع است که طب در تقرحات خنازیری که صعب تشخیص باشند توریات *de fer* بر مرض بنوشاند که در صورت خنازیری بودن آن تقرحات باعث استیام آنها و شفا گردد و بالعکس تقرحات عظیم تر و اطراف آنها منی رنگ میگردند هنگامیکه علت مرکب سیفیلیس قدیم بود و ثانی آنکه چون بعد از استعمال ترکیبات جدیدیه محلوله بجهت رفع مرض دیگر وجع عظام در لبالی و یا تقرحات غشاء مخاطی دهان که قبل از استعمال ترکیبات جدیدیه وجود داشتند ظاهر شوند بخاطر جمعی توان تشخیص داد که آن شخص در قدیم مبتلا سیفیلیس بوده و باقی از آن علت در وجود آن مانده است چنانکه جلوس در محلول نمک طعام و در آب دریا علامات سیفیلیس بخار آب بکار سازد بدان بطور عموم که علاج سیفیلیس بدو نوع است علاج حفظ صحتی و علاج مرضی اما علاج حفظ صحتی فی الحقیقه کرد و در ماندن از اسباب علت اگر چه برخی از اطباء اعتقاد کامل دارند با استعمال بعضی ادویه مخصوصه که با شربت شخصی که از حالت صحت او طمیان تام حاصل نشده باشد مثل آب موسوم به *l'ossequion* در زیرین *lotion sénéronne* که نیت که محلول کبیرا یونان سن کا وینکس *caustique* در می خیزد آب قطر و یا این نسخه بگیرند دار شکند و الی که نیت م کلاب است و پنج مثقال تقنین افون صحت قطره و یا محلول غلیظ صابون که بهر یکی از آنها فوراً بعد از مباشرت آلات شاسل را تعین کنند و در فرنگ بدین منظور نیز مستند است خلاف مخصوص موسوم به *l'ossequion* که او را از معادن اخور بره بعمل می آورند بدین نوع که اخور را با واسطه یخن کنجید با دام و خمیر نان مالش داده تا لاین گردد و او را در وقت جماع بر روی قضیب کشیده بواسطه بد مخصوص نگاه دارند و طبیب فرانسوی لایان گل *l'ossequion* نام ترکیبی بنا بر قرار داده است بدین نوع که بگیرند الکالیسی و شش درجه چهل صابون پتاس چهل جزء عطر لیمو است جزایم مخلوط نموده در هر

بعد از جماع بقدر دو وقت بعد و آلوده سازند و بعد بآب سرد تمسک کنند
 در این سنوات اخیر طبایع انسانی موسوم به این نیز میگویند که از امتحانات زیاد انسان حاصل شود
 که گویند ماده سیرینگیس چون گویند که گادی معاف سازد تا که نوزاد زودتر سیرینگیس می شود چون این مطلب
 تمامه بر اطباء معروفه و دیگر واضح نگردد بعضی از او اینچنان میگویند اما علاج مرضی در اینجا باید علاوه بر استعمال
 ادویه مخصوصه که تفصیل آنها من بعد خواهد آمد به چیزها منظره ملاحظه نمود به اول حرارت هوای متوقفه را بدین نوع
 که مریض در منزلی که اقل است الی پست و چهار درجه حرارت داشته باشد توقف کند تا ترشح عروق سهل گردد که این
 درجه حرارت در هر قسم علاج مخصوص در علاج بزریق از جمله شرایط لازم است چنانچه تجربه رسیده که در بلاد گرم سیر و
 تابستان علاج سهل در سردی است و در تابستان علاج سبب است و باید هوای منزل مریض سالم و یا شستن بود
 و در هوای طویل کجه بودن سخارات حیوانه قهرجات سفیدی و خیارک سهولت مبدل بغافل نماید شود و دوم
 پریند که باید غذای مریض بحد امکان از جمله نباتات بدون حموضت بود و مقدار او بسیار قلیل منظور شد که قوه
 عروق جذبه در جذب غذا کمتر شود و بزودی رطوبات بدینه تبدیل برطوبات جدیده شوند و سبب
 اغذیه حیوانه سوزندولی برخی از اوقات تا چار است طبیب که با وجود این مریض خردی است گوشت بنوشاند
 تا مزاج مریض کلی از دست زود ولی اجتناب کلی از اغذیه دسمه و حریره لازم است که سهولت باعث قوت
 گردند و چون مریض در این علاج بچهل الی چهل و پنج قرحه توقف کند باید مقدار غذا را اضافه نمود و چون بعضی از
 بهر سبب بزودی است گوشت پر ماه و اغذیه مقویه دیگر به مریض بنوشاند چون برخی از اوقات دیده شده
 که مریض در این صورت مبتلا گردیده بکجه عصبانیه که تعریف او در جمله نهم از قرحه هشتم از کفشار اول از فصل سیم از باب
 اول این مقاله در صفحه ۱۸۱ ذکر گردیده به سیم است تحت بدن و نظافت را بدین نوع که مریض باید در رسته توقف کند
 هم سجه آنکه بواسطه یک میزان بودیم بخاطر آنکه بواسطه خروج از اسطحاک میاس آسبی رسد و تجربه معلوم شده
 که از توقف دائمی مریض در رسته نگاه داشتن بر نیز هم سهل است
 در تقریفاً دو سه مخصوصه در رفع این مرض ابتدا نایم مبر و شیرین و تمسینی زریق پس بدانکه زریق از مبروم قوی است
 که مقدار قلیل از او ایلیاف دم را تخلیل برود و بدین جهت در او به ضد ورم توان تعداد نمود و باعث نقصان اعمال
 بعضی آلات است ولی در برخی از آلات دیگر عمل زریق محرک است چنانچه باعث از زیاد عمل غده بزراق و ترشح
 امعاء است و برخی از کتیبسات او را مخصوص در معده و برخی دیگر از مخصوص در جلد دارند و بار آنکه عمل ترکیب
 زریق با این قسم مختلف است لازم کرد که مختصر بطور عموم بعضی تفصیلات از حیوه و علاج او بیان نمایم تا از موانع
 استعمال او اطلاعی حاصل شود
 پس بدانکه زریق در طبیعت بافت شود یا خالص یا مرکب بکبریت و از زینشیدن خالص او اثر چندانی در معده
 بود اگر دو یا العکس اثر زریق در جلد و ریه بی نهایت است چنانچه سلا شخاصی که بواسطه صنعت خود متصل بزریق
 کار دارند چون آینه سازان و طلاکاران که بواسطه زریق سطلاکند بزودی سیلان بزراق و عرشه اطراف باخته
 لون صورت و سبب قبلا شوند و جگر فی بعضی از سبب از این چهار اثر در اینجا لازم است به اما سیلان بزراق
 ابتدا کنند با حساس طعم فلزی او آماس و حرمت لثه و منقش و این من از ریه است از دندان و در این است برینکه
 دم کلی از زریق تعبیر یافته و بواسطه اعانت غش حیم معضن خود در از ریه خارج میازد و بدین جهت عن را میگویند صنعت

دان

طی دارد و اسهال همی از او است در فوری معدوم شدن آن را بجهت مرض بدست و از ده ساعت بهنگام
 میرسد و این مقدمه سیلان بزای برخی از اوقات زود بعد از استهلاک حق ظهور نماید و برخی از اوقات بسیار
 دیر بنوعیکه بعضی ثانی صغیر از دوازده ساعت و در بعضی دیگر بعد از چهارالی پنج روز است که گذرد و بالاخره غذا
 خلف آون و در وقت مکنین ذکاوت حس بهر ساند جمع شوند و مقدار بزاق پیش از قاعده طبعیه از آنها ترشح
 گردد و بنفص صلب و بر یک گشته مرض مفر گردد از اثر به با طعمی دمان و وجع در صحن صغیر و بدون طول مدت است
 و جدار جوف دمان نیشتر جمع شوند و عمل بلع را بصورت عارض گشته ترشح بزاق متصل زیاد شود و بسیار است
 با اس استغانی شکل اغلب علامات بدت سهالی چهار روز بدین زمانت برسند و در این حالت نادرست
 که بزاق ترشح قلیل و دوسوی گردد و باز ایده می و وجع صورت و چون نشن را بجهت دمان در این باطن تخفیف نیست
 و اسهال عارض شود و آن برداشت نیست ولی چون نفس سریع و صغیر شود با استرنا، عام بدن در ایامه غشیه تنفسه
 معدوم شده اسهال عارض گردد ملاکت نزدیک است و احتمال کلی است که در این صورت لوزالمعدوم متورم شود
 ترشح او خلیفه ترشح بزاق گردد چون این قسم انتقال مهلاکت است باید بزودی برقع او برداشت و بهترین آدویه
 مخصوصه در این صورت افیون است بدین نوع که همین که در مرض سیلان بزاق مشکلی گردد از وجع نطن آید کنیم
 بنوشاندن پست اعلی است و پنج قطره تعین افیون و حسب ساعت ساعت ده قطره از او بر نفس بنوشانیم
 تا وجع موقوف گردد و بعد از موقوف شدن وجع باز بیزه چند روز تعین مذکور را بمقدار قلیلی بنوشاند چون مهلاکت
 بزاق بی نهایت شدید گردد تقرقات صغیره در جوف دمان و در روی لسان جوید شوند که عمق آنها بعضی اقلون
 و اطراف بی قاعده ولی بسیار برآید نباشد و لسان در صورت جمع شود بنوعیکه تخلم و بلع را بصورتی بسیار
 و چون بزاق بجا فراط خارج شود از دمان لسان و جدا که جوف دمان بتدریج قلت پزیرد بمدته پانزده
 روز و فانی گردولی سیلان بزاق اکثر آسای الی چهل روز بطول انجامد

چنانچه بیان شد برخی از اوقات سیلان بزاق مخوفست و علاوه بر انتقال او در امعاء شود هم که لوزین و بالون
 شده هم شده باعث خنای گردند و یا اینکه مرضی از شدت ترشح صغیر بهر ساند و گهی دائمی مبتلا گشته
 گردند و در این صورت اخیر ترشح بزاق یکسانی در روز قبل از موت که کجا اسهال و عرق بی نهایت اما رسته اطراف
 بدان اشخاصیکه در دست گیره در موالی توقف کنند که آنجه زیمتیه در او مخلوط باشد چندان سیلان بزاق بسیار
 نگردد بلکه رسته اطراف آنها را جدا سازد و این حالت نیشتر عارض شود در اشخاصیکه کربسیلان بزاق زیمتی سیلان
 گشته اند ولی بواسطه دور نمودن اسباب بزودی ثغابا گشته و بسیار زار است رسته اطراف در سیلان بزاق
 شدید و چنانچه سیم لغت با عشت فلج عضلات قاعده در سب باعث فلج عضلات با سطل است همچنین زیمتی باعث فلج
 هر دو است و از این معضات عمل هر دو رسته ظاهر شود اما با شکی لوزن صورت که علاوه بر سندن جلد ستر سفید و ساطع
 گردد و وجع بدن سترخی و بی قوه شود چنانچه در عملیات معدن زیمتی بود است اما فلج با آنکه بالاخره اطراف ساطع
 بقوه شود فلج با سعال یا بس یا بدون سعال سقوط استخوان و در صحن رسته اطراف عالیه بفلج اطراف ساطع با علامت
 سل بلاک گردد بدون ظهور تقرقات سریه

و چون زیمتی را بواسطه مساحقه با قیدیا صمغ عربی منجی کنند بخاری مایل بسواد حاصل شود که در استمال طولانی
 اثر او چون اثر زیمتی خالص است و در صورت مساحقه زیمتی با سیم ساده سوزنی معروف بر جم را دی حاصل شود

که از معرفت زمین ترکیبات طبیعت است و استعمال خارجی او از جمیع ترکیبات زینیه دیگر زودتر باعث سیلان هوا
 گردد و چون بطور پرنده زمین را بدست گیرد هر دو در موضع دیگر تریخ کنند برودی باعث می یا استعمال گردد
 و این ترکیب رمادی از بهترین ادویه ضد ورمید خارجی است و مانند بخار زینق بزودی موجب تسخیر گردد بلکه
 بعد از استعمال در مدت مدیده مقدار کثیر متغیر او فلیج باشد

زینق مرکب است با و گشتی *Opoponia* در ترکیب معروف به ترکیب *Mercurius in* در حاکمان
 و با کیفیت نوار و ذکر کورد و شکافی *Oxyde noir de mercure de Moscati* ولی در هر دو نوع

بزودی باعث سیلان بزاق گردد و بدین جهت بهتر است که بدل آنهارا مرهم زینق رمادی کتم بسیل آنکه
 از استعمال خارجی و آلات غذا چندان اثری نیند و بر سر عثمان مخصوص است در زود حاصل نمودن سیلان
 بزاق با و زینق مرکب است با و گشتی در ترکیب معروف بخوبه سرخ و این دوائی است که بدل ندارد
 در بعضی و رام فرزند عین و بعضی فقرجات سیلیبیه ولی چون استعمال داخلی و چون سموات حاره است
 تا علی نه اما مقدار او بسیار قلیل بود و در صورت قلت اثر او بی نهایت قلیل است و بوجه استعمال و ا
 و سیلیبیس ترکیبات زینیه بهتر از او در دست داریم

زینق مرکب بکوگرد و نوع است یکی شلفوز نواز و دیگر کوز *Sulfure noir de mercure* که بیشترین اثر
 کوزند و دیگری شخرف که اولی و بزودی باعث سیلان بزاق گردد و بدین جهت تمام ترکیبات زینیه توان
 بدل و شوند و شخرف به شکافی بطور بخار استعمال است و در انصورت زینق خالص در اثر شفا و تی ندارد

ترکیب زینق به خلوص *Mercurius* نیرد و نوع است یکی آنکه مقدار خلوص او قلیل بود که در انصورت کمال است
 و دیگری آنکه خلوص زیاد بود معروف به *Mercurius camensis* یعنی دارا شکله است

و کمال هم از خارج و هم از داخل مستعمل است و از تمام ترکیبات زینیه او را بهتر دانیم بجهت آنکه اثر کمال بر آلات
 تغذیه شش از سایر ترکیبات است و بخاری اجتناب بزودی باعث سیلان بزاق نکرده و اثر کمالیت را
 نیست بلکه کمال از مفیدترین ادویه ضد ورمید و غلیظه بود و اثر داخلی او چون اثر خارجی مرهم رمادی است و کن

با دلا حظه نمود که عمل کمال منجاست متلف است از قرار مقدار استعمال چنانچه مقدار تمام شلاد و از و گشتیم
 در یکدفعه نوشیدن به شکافی باعث اسهال و نادر موجب قی گردد و چون این مقدار نام را کوز و گشتیم
 هر دو زینق غلاوه بر اثر اسهالی را میجو مخصوصه زینق از دمان خارج میگرد و چون این مقدار تمام را در کوز
 بیایی در سیم اسهال شدید به شوائی بروز کند و در اثر دوزان و بمقدار قلیل و منقسم مثلا هر یکالی دوست

کسالی دو کندم سینه سهل است ولی در ضمن عمل اسهالی مخصوص خود را در دوزان غلا که گشتیم و بخصوص عمل
 ضد ورمی نادر حاصل گردد و بدین جهت هم از بهترین ادویه ضد ورمید و غلیظه است و بمقدار قلیل بفاصله نام دارد

یعنی یک کندم هر سبت و چهار ساعت اغلب از غلظتی را نخبند و اثر ضد ورمی سینه را از او جودا کرد و در
 در صورتی که در دست مدیده بدین نوع نوشیده شود باعث سیلان بزاق گردد و بخصوصی مفید است در سیلیبیس

عظام و در این حالت اثر او موافق اثر مرهم رمادی است با اما سوکتمه سهل است استعمال است بوقت
 محلول شدن در الکحل و در آستر و در آب سطر و مقدار بسیار قلیل او اثر کالی بنیاید و بمقدار کثیر
 شدید بود و بطور عمومیست بدان که هر مقدار سوکتمه که موجب قی گردد زیاد است و این اثر از سیم

چون دیده شد بهترین طرز استعمال و است که بنا بر دوی یک گندم ابتدا کنیم و بتدریج بر این مقدار بفرانیم و در نوشتن
 او را بر بعضی باید او را محض نمود که مبادا دوی مذکور را در خلا معده بنوشد و چون دیرتر از سایر ترکیبات زیقیه است
 سیلان بزاق گردد بدین جهت تواند در مدت مدید استعمال شود تا این اثر را بطور او آورد و با وجود این اثر شوکتیه
 بر جالب عمومی بزودی بود است چنانکه فوراً باعث تخفیف و حج عظام ریسالی و مورث الیتم تقرحات و سایر
 علامات مخصوصه سیفیلیس بدون ظهور اسهال یا سیلان بزاق ولی بعضی افرجه را مستعد نماید بحال یا بس و
 ادم که میونند بدلی سل کرد و بدین جهت برخی از اوقات حتی سیاطبی نهایت در استعمال دارا شکتی لازم است

بجهت اثر اکالیست محلول شوکتیه در خارج مستعمل میاشد
 بعد از این جزئی التفصیلات عمومی بدانکه بخصوص در این از منداخیزه بعضی از اطبا معتقد بر این گشتند که برخی از علامات
 که قداماً از جمله علامات سیفیلیس شمرده میشد مگر اثر استعمال پیوده زیقیه و اگر بنا بر این اشتباه شده است
 از عدم علم تشخیص بوده اند آنکه اختلاف میان این دو قسم علامات بنودیرا که اگر چه زیقیه تواند باعث حدوث
 تقرحات دمان گردد ولی این تقرحات در صین استعمال زیقیه به نحائی و بدست قلیل بعد از استعمال و دیده میشود
 و از رایجه عفته مخصوصه بخود پیوسته و چه آنکه اشتباه تقرحات سیفیلیس میثوان نمود علاوه بر اینکه عموماً تقرحات زیقیه
 احمر اللون و عمق تقرحات سیفیلیس بهن اللون است و اطراف تقرحات زیقیه تدریجاً بلون طبعی رجعت نماید
 بعکس اطراف تقرحات سیفیلیس که احمر اللون است و تقرحات سیفیلیس در لسان جزئی برآمده و نامهور است ولی
 تقرحات زیقیه در لسان جمیع اوقات مرکب باز و یا دهم است و تقرحات سیفیلیس قرار دارند در کنار لسان
 و در لوزتین و لهماه و خشک بعکس تقرحات زیقیه که اغلب در لجهها و در جدران بینی جوف دمان پدید گردند و اگر چه
 برخی از اوقات تقرحات سیفیلیس نیز در لجهها و جوف دمان ظاهر میشود بیچوجه به نحائی نمیشد و در جوف دمان
 در لهماه و لوزتین مشاهده گردند علاوه بر اینکه از زبان مرص و از موجود بودن علامات در سایر مواضع نسبت
 تشخیص حاصل خواهد شد بطور عموم توان گفت که علامات اثر زیقیه نسبت به عت رفتار نماید بعکس علامات سیفیلیس
 در دمان که رفتار اهابتانی است با از جمله او در معدنه غیر زیقیه با شند آرینیکت *Arénic* و اطلاق
 ذبیه و فضیه و سخاسید و تخمینه و نند *Chromate de* و گرات و دو پوناس *Chromate de* که جمیعاً
 اجزائی میباشند عفو نیست یعنی در صورتیکه لحمیه در محلول یکی از آنها نیم آن محلول مانع گردد و او را از عفو نیست
 اما آرینیکت بخصوص مفید است ترکیبی از او موسوم محلول *Formol* در صورتی که کامل در علاج تواند نمود
 بلاکت کرد و مثلاً چون تقرحات سیفیلیس دمان ساریت بعظام راس نموده و یا اینکه علاج زیقیه بی حاصل بود
 جوف دمان بجلی متورم شده باشد بنوعیکه خوف از خنق باشد و در این صورت با یوسه بی نهایت مفید دیدم
 ترکیبی از این قرار بگیرد هم الفار سفید یک جز که بریت کلکس مغلول شش جز فاقر قرقا، سحوق سه جز از زیقیه
 خالص سه جز و روزی سه دفعه هر دفعه که گندم بر بعضی بنوشانند

اما ذبیه بدانکه در فریب معروف فرانسوی *Chrestien* و *Winn* و *Winn* و *Winn* و *Winn*
 نام تجریات مخصوصه در استعمال لاج ذبیه نموده اند و بخصوص آنها را مفید دانند در درجه
 دوم بعد از استعمال دوی زیقیه بدون ضل و در وقت تریب بودن سیفیلیس سخا نیز در پیشتر جمعی رحم باغذ
 و ذمی یا پخته و در صورتیکه ذاتی با سیفیلیس منع نمایند استعمال آن در درجه اول سیفیلیس و در صین جض و در سخا

بسیار با لخواه و خضاق رحم و در صورتیکه مرضی بکمی و ای مبتلا باشند به در صورت استعمال سه نوع قرار داده اند نوع اول است طلا در سب یا کرد طلا نوع دوم طلا مرکب با این چنین که عبارت است از *Opus de de* و با بقلع که موسوم است به استنات *Stannate de or* که طرز ساختن آنجا در قرابا دین شفا نیه ذکر مس کرده نوع سیم محلول طلا در آب نیزه نوز یا نیک *Acide nitro-muriatique* که عبارت است از کلوروز و ز

Chlorure d'or یا مرکب و با کلوروز و زودونوم *Chlorure de Sodium* که عبارت است از کلوروز و زرای و زودونوم *Chlorure d'or & de sodium*

اما قصد به این قسم علاج شوی یافت از معلم فرانسی *terre* نام که کربنهاست و را و مخصوص آگینه دارژن *Oxyde d'argent* و ورق نقره محوق بمقدار ربع کسندم و سیانوزد آژرن *Cyanure d'argent* و کلوروز دارژن *Chlorure d'argent* و آیودز دارژن *Iodure d'argent* بمقدار یک الی شش کسندم و آمونیزد آژرن *Ammonure d'argent* بمقدار دوازده یک کسندم مستعمل میباشند و معلم نیزه ادویه قضیه را بچند جهت بهتر از ادویه زخمه میباشند اول بجهت اینکه در سب در بخیلیس حیدر بدون حدوث سیلا بزاق و یا اثر روی بر آلات تغذیه و دوم بجهت اینکه بعد از استعمال زیق و طلا بدون حاصل از استعمال ترکیبات نقره علاج حاصل میشود سیم آنکه استعمال آنها سهل و از برای بر شخص ممکن است بدون بعضی احتیاطها که شرط لازم استعمال ادویه زقیه اند

اما خاص مخصوص در بلاد هند و اول است بر این نوع که بکیرند کار نبات ذو کو آیور *Carbonate de cuivre* و دو کسندم که او را محلول سازند و آگینه نوز یا نیک *Acide muriatique* بمقدار کفایت و بعد داخل نمایند نوز یا نیک و اما نیک *Muriate d'ammoniaque* پانصد و شصت و چهار کسندم و آب مقطر بمقداری که جمعیاسی و شش شقال کرده و از این محلول کم شقال و نیم در صد و پست شقال آب مقطر داخل کرده روز یک الی دو دفعه سه دفعه سه الی پنج شقال بر مرض نوشانند

اما انیمون *Sulpho-stibio-calajens* معروفترین ترکیب است و نولف استی بی آکان سکوتس است که طرز ساختن و استعمال و از همان قرار است که در صفحه صد و پنجاه از کتاب بیثه الابدین این حقیر که در سینه هزار و دو است بهشاد و نه در دار اسخلافه طهران منطبع شد در تعریف جذام ذکر کرده و چند سال قبل غلبه شیشی *Calajens* نام در روزنامه های طبی لندن تعریف نمود از چند مرض مبتلا بخیلیس که بواسطه مقدار بسیار قبیل از محلول انیمون فی شش است بمقدار هر دو الی سه ساعت از محلول یک کسندم انیمون فی پنج شقال آب بزودی تقرحات سیلیسیه بسیار پذیرا شاق است و اندک شکر که مقدار در را متدرجا اضافه نمایند

اما نیزه بد آنکه از زمانیکه بز و ترکیبات او شناخته شده اند و اطباء اثر آنها را در بعضی امراض ملاحظه نمودند نزدی استعمال علاج بدیه در معالجه بخیلیس شیوع یافت و الیوم باطمینان توان گفت که استعمال آن بد و زودونوم *Iodure de Potassium* در درجه سیم بخیلیس بدل ندارد و شکر که بمقدار خرفی ابتدا کرده بتدریج او را زیاد کنند

و ترکیبهاست مذکور که عبارت است از *Facto-iodure de mercure* و زودونوم و زودونوم *Facto-iodure de mercure* بی نهایت مفید در قسری از بخیلیس که هم علامت درجه اول و هم علامت درجه سیم باشد و مخصوص مفید و سهل استعمال و بدیم ترکیبی را که معلم معروف فرانسی *terre*

چون دیده شد بهترین طرز استعمال است که بشازده یک گندم ابتدا کنیم و بندریج بر این مقدار بفرانیم و در نوشاند
 او را بریض باید و را بجز نمود که مبادا دوا می مذکور را در خلا معده بنوشد و چون دیرتر از سایر ترکیبات زینجه با
 سیلان بزاق گردد بدین جهت تواند در دست مده استعمال شود تا این اثر را بطور آرد و با وجود این اثر شوکتی
 بر جالب عمومی بزودی بود است چنانکه فوراً باعث تحفیف و حج عظام و سیالی و مورث الیتم تقرحات و سایر
 علامات مخصوصه سیفیلیس بدون ظهور سهال یا سیلان بزاق ولی بعضی افرجه را مستعد نماید سیال یا بس و
 ادم که میوه پس بدلی بل گردد و بدین جهت برخی از اوقات احتیاطی نهایت در استعمال دار شکنه لازم است
 بجهت اثر اکالیته محلول نوبلیتر در خارج مستعمل می باشد

بعد از این جزئی التفصیلات عمومی بدانکه بخصوص در این از منزه اخیر بعضی از اطبا معتقد بر این گشته اند که برخی از علامت
 که قدما در حمله علامت سیفیلیس می نمودند مگر اثر استعمال پیوده زینق و اگر نادرا این اشتباه شده است
 از عدم علم تشخص بوده نه اینکه اختلاف میان این دو قسم علامت بنود زیرا که اگر چه زینق تواند باعث حدوث
 تقرحات دندان گردد ولی این تقرحات در عین استعمال زینق به سخالی و بدت قلیل بعد از استعمال و دیده می شود
 و از رایج حقه مخصوصه بخود هیچ وجه افتخار مثبت تقرحات سیفیلیس می توان نمود علاوه بر اینکه عمق تقرحات زینقیه
 احمر اللون و عمق تقرحات سیفیلیس بعضی اللون است و اطراف تقرحات زینقیه تدریجاً بلون طبیعی رجعت نماید
 بعکس اطراف تقرحات سیفیلیس که احمر اللون است و تقرحات سیفیلیس در زبان جزئی برآمده و نامهور است ولی
 تقرحات زینقیه در زبان جمیع اوقات مرکب باز و یا در حجم سامت و تقرحات سیفیلیس قرار دارند در کنار زبان
 و در لوزین و لهماه و خشک بعکس تقرحات زینقیه که قلب در لهماه و در جدران بینی جوف دندان پدید گردند و اگر
 برخی از اوقات تقرحات سیفیلیس نیز در لهماه و جوف دندان ظاهر شود بیسوی چه به سخالی نمیشد و در همین زمان
 در لهماه و لوزین مشاهده گردد علاوه بر اینکه از زبان مرص و از موجود بودن علامات در سایر مواضع که به
 تشخص حاصل خواهد شد و بطور عموم توان گفت که علامات زینقیه بر عت رفتار نماید بعکس علامات سیفیلیس
 در دندان که رفتار آنها تانی است با از جمله او در معدنه غیر زینقیه می باشد از این جهت *Arsenic* و اطلاق
 ذینده فضیه و سانسید و انتمیونید *Chromate de potasse* و کرات دو پوتاس *Chromate de potasse* که جمیعاً
 اجزائی می باشند عفونت سیسی در صورتیکه لحمیه در محلول کمی از آنها نیم آن محلول مانع گردد او را از عفونت
 اما از اینک بخصوص میخاست ترکیبی از او موسوم محلول فولکر *Formol* در صورتی که تامل در علاج تواند نمود
 بلاکت کرد و مثلاً چون تقرحات سیفیلیس دندان سرامیت بعضی راس نموده و یا اینکه علاج زینقی بی حاصل بوده
 جوف دندان کلی تورم شده باشد بنوعیکه جوف از تنق باشد و در این صورت با یوسه بی نهایت مفید دیدیم
 ترکیبی زاین قرار گیرند سم الفار سفید یک جز که بریت سکلر سفول شش جز فاقر قرعاً اسحق سه جز زینق
 خالص سه جز روزی سه دفعه هر دفعه که گندم بریض بنوشاند

اما در تب بدانکه در فریب معروف فرانسوی کری تین *Christian* و نی ان *Niel* و لکران
Legendre نام تجربیات مخصوصه در استعمال ملح ذینده نموده اند و بخصوص آنها را مفید دانند و در وجه
 دویم بعد از استعمال دوید زینقیه بدون ضل و در وقت ترکیب بودن سیفیلیس سخا زینق در پیشتر جهانی رحم با غده
 و ذی باطنه و در سوزنک ذالی با سیفیلیس و منع نماید استعمال ذینده را در درجه اول سیفیلیس و در حین حوض و در سخا

بتدا بالیخولیا و خشاق رحم و در صورتیکه مرضی کجی و ایمنی مبتلا باشند به در صورت استعمال سه نوع قرار داده اند نوع اول است طلا را سب یا کرد طلا نوع دوم طلا مرکب با آسجین که عبارت است از *Opode d'or* و با بقیع که موسوم است به امتفانت *Stannate d'or* که طرز ساختن آنها در قرابا دین شفا زده ذکر مس کرده نوع سیم محلول طلا در آسیند *Acide nitro-muriatique* که عبارت است از کلوروز و از *Chlorure d'or* یا مرکب و با کلوروز و نوژیوم *Chlorure de Sodium* که عبارت است از کلوروز و زرای و نوژیوم *Chlorure d'or & de sodium*

اما قضاة این قسم علاج شروع یافت از علم فرانسیسی *terre* نام که کبر سبات اورا و مخصوصا کینه دازرن *Opode d'argent* و ورق لفره کحوق بمقدار ربع کتدم و سیانوز دازرن *Opode d'argent* و کلوروز دازرن *Chlorure d'argent* و ایود دازرن *Iodure d'argent* بمقدار یک کتدم و آمونیز دازرن *Ammoniaure d'argent* بمقدار دوازده یک کتدم سفلی میباشند و علم نزد ادویة قضیه را چند جبهه بهتر از ادویة زخمه میباشند اول جبهه اینکه در سردی سفلیس حیدر بدون حدوث سیلا براق و یا اثر روی بر آلات تغذیه و دویم جبهه اینکه بعد از استعمال زیمق و طلا بدون حاصل از استعمال ترکیبات نقره علاج حاصل شود و سیم آنکه استعمال آنها سهل و از برای شخصی ممکن است بدون بعضی احتیاطها که شرط لازم استعمال ادویة زیمقیداند

اما خاص مخصوص در بلاد هند اول است بر این نوع که بکیرت کاربانت *Carbonate de soufre* و دو کتدم که اورا محلول سازند در آسیند نوژیانیکت *Acide muriatique* بمقدار کفایت و بعد داخل نماید نوژیانیکت و انانیکت *Muriate d'ammoniaque* یا نصد و شصت و چهار کتدم و آب مقطر بمقداری که جمیعاسی و شش شقال کرد و و از این محلول کتشفال و نیم در صد و پست شقال آب مقطر داخل کرده روز یکسال دو دفعه هر دفعه سه الی پنج شقال مرض نوشانند

اما انیمون *Sulpho-stibio-calycus* معروفترین ترکیب و مؤلف استی بی انکان سیکوتس است که طرز ساختن و استعمال و از جهان قرار است که در صفحه صد و پنجاه از کتابت میثا لایدن این حقیر که در سنه هزار و دوست هفتاد و نه در دار اختلاف طهران منطبع شد در تعریف جدام ذکر کرده و چند سال قبل غیبی *Calycus* نام در روزنامه های طبیی لندن تعریف نمود از چند مرض مبتلا بسفیلیس که بواسطه مقادیر بسیار قبیل از محلول انیمون فی مشال است قطره هر دو الی سه ساعت از محلول یک کتدم انیمون فی در پنج شقال آب بزودی تقرحات سفیلیسیام پذیراشاق هشا اند شریطیکه مقادیر امتدراجا اضافه نمایند

اما نیز به یاد که از زمانیکه تریکریات و شناخته شده اند و اطباء اثر آنها را در بعضی امراض ملاحظه نمودند بزودی استعمال علاج بدیه در معالجه سفیلیس شروع یافت و ایوم باطمان توان گفت که استعمال ایود و نوژیانیکت *Iodure de Potassium* در درجه سیم سفیلیس بدل ندارد بشرطیکه بمقدار بزرگی ابتدا کرده بند برچ او را زیاد کنند و ترکیبات اندازنق که عبارت است از *Poto-iodure de mercure* و *Poto-iodure de mercure* بی نهایت مفید و در کیمی سفیلیس که هم علامات و درجه و هم علامات درجه سیم باشد و بخصوص مفید و سهل استعمال دیدیم ترکیبی را که معلوم معروف فرانسیسی *Poto-iodure de mercure*

مانند تقرحات سرطانیه اطراف و عمق خود در تحصیل متاکل سازد و اطباء شاد است گذارده اند ما بین تقرح سیفیلیسی
 اولی و تقرح سیفیلیسی ثانوی که بعد از عموم کشتن سیفیلیسی ظهور کند و تقرح سیفیلیسی اولی گویند تقرحی را که بصورت مار
 بروز نماید از سرایت موضعی با ترتیب و در فشار و طول و انحنا و شاخ مخصوصه و نسبت شاخگر سیفیلیسی مثل نسبت
 کردن قلب لکلب است بخوف از آب و چون نسبت ماده آبر است بجدری یعنی درود دریم درجه ثانیه تقرح
 سیفیلیسی بر موضع سالم تحت بشرد یا بغشاء مخاطی باعث سرایت سیفیلیسی است

اما مکان او بداند که تقرح سیفیلیسی تو اند حاصل کرد در جمیع مواضع خارجیه بدن و در غشیه مخاطیه که ماده سریره در
 قلبه یا کثیره یا نه اثر خاص نماید و از قرار اختلاف است در اوقات شاسل ذکره و اناث مختلف
 خواهد بود و چون سیفیلیسی باث در فقره پنجم از فضل پنجم از فضل دوم از زبان و دم این باب در صفحه اجماع است
 خواهد شد پس تقرح سیفیلیسی مذکوره در اینجا در باب صنف مذکور است و بنا علی ذلک بداند که حدود تقرح
 سیفیلیسی اولی قلب در اس شده و در اطراف او و مقعد و عانه است و در صورتیکه مرض از دهان آید کند
 اول در لب بعد در لسان و در لوزه و در لوزین و علقوم پذیر شود و در خود جلد ظاهر محال گردند بواسطه مجروح یا قانی
 شدن بشرد ولی اوقات شاسل پیش از سایر مواضع متبادرند بجهت اثر موضعی اسباب سریره و در این قسم
 تقرحات اوله مختلف است از یکسانی است عدد که برخی از اوقات یک دفعه ولی اغلب بی درنی ظهور نمایند
 و در وقت عظم باعث تقرحات بی نهایت عظیم و عمیق گردند و اما در فشار تقرح سیفیلیسی اغلب بدون مقدمه
 بروز نماید یعنی بدون حمی و بدون اثر بر حالت عمومی بدن و اگر بر برخی از اوقات حکم قبل از بروز تقرحات
 ظاهره پدیدار باشد ولی این حکم مخصوص نیست و اغلب منوط بود بمرض جلده قدیمه معلوم معروف فرانسی
 رگر که منتهی نام در این علت سه درجه قرار داده است و چون علاج هر یک از آنها مختلف است تشخیص درجات
 بر طبق لازم کرده و چون بواسطه دست نهادن بر او ترکیب صلبی و نیکو بود میگردد و بعد از کرم تقرح سیفیلیسی
 آلت را در جلد سالم همان اشخاصیکه حامل تقرح در قضیبانه بطور آبه میگردند و از فشار طبیعی آن تقرح را
 به نیکولی بود میساخت

اما درجه اولی که درجه جالی است و بفرانسوی *le stade de debut* نامند و اغلب در شخصی سالم
 شاخگر ابتدا نماید بطور تقرح بدلیل آنکه ماده سریره در این ملاقات اثر مخصوص خود را پدید سازد در موضعی که بشرد او
 قانی یا مجروح باشد ولی چون بواسطه مشرد ماده سریره در تحت جلد گویند چنانچه جهت تجزیه و تشخیص مستداول شایع
 کرد به مشرد صغیره عارض گردد بدین نوع که در پست و چهار ساعت اول در موضع کوبیده حمی پدید آمد و در روز دوم
 و سیم جزئی بر آمد و ششده کرد و در نهم جزئی صلب با حمه اطراف او در روز سیم الی چهارم در مشرد نقاطه بروز کند
 معلول از رطوبت مجتمع در او در نوک آن نقاطه نقطه سیماهی بود است که نیست کردم منجمله که در وقت کوبیدن
 خارج میگردد و از روز چهارم الی نهم رطوبت مشرد شفاف تبدیل گردد بریم و تقریری در نوک آن بره بود
 بره شیشه شود به شور جدرنه و بدین حالت که رسید حمرت اطراف قبیل با بعد و دم کرده ولی بعد از روز پنجم تقرح
 تحت بشرد حجم و صلب شده و در غلظت بهم رساند و عضوی در بشرد بر آمد و فلسی ظاهر شود و چون این
 اول را بر تدریج متصل از تحت نوک در غلیظ و محروم طلی شکل گردد با تقریری در نوک و چون این فلس را ساقط کنیم
 در تحت فلس تقرحی با صلابت عمق و اطراف بود میگردد

اما درجه نایب شاکر که درجه تریاید باشد و غیر آنست پزید و در آن *degradé de prograde* و موسم پزید و تا
degradé d'état خوانند چون بعد از لغت کور شاکر حالت نامی رسد بواسطه اسباب مختلفه رفتار
تفاوتی نام بهر ساند بنوعیکه میان اطباء قدیم در تعریف شاکر با یکدیگر مغایرند و این اختلاف تعریف بدان جهت
بوده که این علت را در هر صورت یک نوع میدانند و تفاوتی را که از اسباب معین یا غیر معین در رفتار شاکر
بعل ایستگونی ملاحظه نموده بودند و بنا بر این ملاحظه معلوم میگردد که نام شاکر را در درجه دوم بدو نوع منقسم نمودند یکی
regulier یعنی با نظام و ایستگونی *irregulier* یعنی بدون نظام و اما شاکر با نظام در صورت
در جلد و با در غشاء مخاطی ظهور نماید اغلب قلیل حجم و بالعکس تا این معنی است بنوعیکه تمام غلظت جلد را سوراخ نموده
تا باشد زنبوری تحت جلد فرود و در جنبه اغلب یک اوده و درست ولی این حالت تدویر اختلاف
بهر ساند بنوعیکه قدری از شاکر در یک شیخ و قدر دیگر در دیگر بود مثل آنکه نصفه او در شاکر گاه و نصف
دیگر او در سانس خفته باشد و یا اینکه شاکر بر روز کند در موضعی که بشره او فانی یا مجروح بوده و یا اینکه در عضون
خفته گاه مادر عضون مقته بود یا گاه و یا اینکه چندان شاکر متعدد شود که در آن صورت ترکیب شاکر اغلب در وقت
در این درجه تا تحت شاکر معین و صلب غیر مستوی الاخره و اطراف و فشاری است و جزئی نسبت خارج
بنوعیکه داخل تفرج شیشه کرد و بقیف شیشه ورم او غیر سالم و در لونه بنات از قلبی نماید و اغلب جویگاه
جبهه صغیره بواسطه ذره بین در او بود یا میباشند و این اثر را شاکر پزید میگویند و چون ریم جمع شده
از اثر هوا محافظت نمایند رقیق ماند و بزودی متعفن شود و اگر کسی بواسطه نظافت مانع از اجتماع او شود و شاکر
در شاکر جوف مانع خروج بزاق مانع از اجتماع او است و اما شاکر بدون نظام بدن حالت رسد از آثار مختلفه
و بجهت سهولت تشخیص اطباء این نوع را چهار قسم منقسم نموده اند قسم اول شاکر کوریتیل میباشد *superficielle*
یعنی سطحی که تفرج چندان با این معنی نشده با طرف مفروش شود و این قسم مخصوص یافت کرد در شاکر
ذاتی مرکب به قسم دوم است شاکر آندور *chancre induré* یعنی با صلابت اطراف و عمق به قسم
سیم است شاکر فایز دینیک نولین *chancre purulent* یعنی کال عینی حجم که بعکس
قسم دوم هیچ صلابتی در این قسم نیست و چندان عمق اثر نماید بلکه بالعکس ترکیب غیر دور شب با اطراف
با عمق غیر مستوی الاخره و غشاء کاذب مادی لایون پوشیده شده است با لایون قهوه یا سفیدی و با اطراف این
قسم از تفرج اغلب و قاتلین بر او جمع بی نهایت است به قسم چهارم است شاکر فایز دینیک کالیکر نو
chancre phagédénique gangréneux یعنی کال مرطانی که در صورت تفرج بزود
قبلا کرد در سرطان پس در سقوط فلس مرطانی تفرج ساده بدون صلابت و بدون عمق ظاهر شود
اما درجه هاست شاکر که درجه رحمت است و غیر آنست پزید و در آن *degradé de réparation*
خوانند و درین درجه نون طبیعی اطراف تفرج بدون سانه رحمت سینند و اطراف تفرج لیس شده و بر این
معدوم کرد و در اطراف تفرج نولین بود که در روز کرده است در اطراف تفرج مستقیم پزید و ولی خراک در روز شاکر
خامس شاکر خوانند بواسطه آثار متعدد و غیر است مختلفه بدو در این درجه نیز شاکر با تمام خصوصیت
بصحت و با نرسید نماید و نولین و دم شاکر از اول بروز زمان شاکر بیانی پزید و روز بود
اما تشخیص شاکر که هر چند از علامات مذکور فوق است تمام مختلفه این علت اغلب شاکر که در شاکر
که در آخر درجه

که در آخر درجه شانه چون شاکر در وقت بهر ساند نشسته کرد و بر سر طمان و در صورتی که علت ضعف بود نشسته شود بفرج سواره
 و این دو اشتباه موجب اختلاف در علاج گردند که برخی از اوقات ضرر او کلی بود و تشخیص حقیقی شاکر با طبع سنان
 شوان دادگر از ملاحظه درجه اولی و از کوسیدن مایه شاکر در درجه شانه و این عمل بدجری با نسیه عمل بد کوسیدن
 ابله کادی بدین نوع است که نوک بضع کوکاک در درجه شانه آلوده نموده آن نوک را بسیار کم در سخت بشود و فرود
 که دم کمتر خارج شود و ماده میره از خروج دم نشسته نشود و در هر موضعی که بدین طریق بضع فرود رفت شاکر مضمون
 ظاهر خواهد شد و هر قدر بضع در مواضع مختلفه زده شود همچنانکه در تمام حدود شاکر بر روز خواهد کرد نه اینکه بضع در جا
 اثر کند و در جانی دیگر اثر نماید و باید دانست که این اثر به شانی از رگم درجه شانه حاصل میشود بدلیل اینکه در رگ
 اول رگم کامل نیست و در درجه شاکر تمام شده است بجهت آنکه اگر سالم نبود و بفرج میخواست استسیام بزرده
 اما تقدیم المعرفه شاکر در اینجا باید ملاحظه شود موضع و عدد وقت تمام شاکر مختلفه و در باره موضع آن بدان
 که شاکر زودتر استسیام بزر خواهد شد مکان او کمتر ساسده شود و در باره عدد و اینها معلوم است که هر چه بیشتر
 و بهر متصل باشد استسیام و بزرتر حاصل می شود و تقدیم المعرفه شاکر با نظام نکو تر است از تقدیم المعرفه شاکر
 بدون نظام و شاکر اکال چون متصل با این معنی است علاج او شکل بود چنانچه معلوم رکورد *Macord* نام ما شاکر
 رساند که این قسم شاکر تا هفت سال موجود و دریم او تا آخر قابل سرباست پس بود در باره شاکر مختلفه آنها اول است
 احتمال بر حدوث خارک در صورتیکه شاکر بزرگتر در اصل است و حقیقت مخصوص نزدیک نشسته نگاه کرد و در صورت
 شاکر در سخت نشسته نگاه بزرگتر احتمال حدوث خارک در باره است و خواهد شد ولی چون مکان شاکر در رگ
 راس حقیقت بود احتمال بر حدوث خارک خدان باشد بدو و از شاکر طوری سیفلیس عام است و در
 بدان که نه مکان و نه عدد و نه طول شاکر اثر دارند بلکه فقط اصلا است و بدل بر نسبت عمومی مزاج است
 چنانچه معلوم رکورد نام در صد نفر نسبتا شاکر با صلا است که بدون ریم استسیام یا فشد دیده است که نود و
 نفر من بعد سیفلیس عام متلاک شد

برای تفریح

اما علاج شاکر به از قرار تجویزات صحیح معلوم گردید که شاکر بدون علاج مخصوص در مدت قلیل با کثیره از استسیام
 خواهد یافت ولی چون استسیام بطول انجامد احتمال سزیت و اشتغال بیشتر است لهذا طبیعت است که نقد
 امکان مانع از طول کشش او گردد و علاج از قرار در حاکت شاکر مختلف خواهد شد بنوعیکه در درجه اول چون
 بواسطه او به اکاله علاج تمام شاکر زودی استسیام یا فشد خوف اشتغال با سرباست بر عاهد بدن فانی شود و بدین
 جهت رجوع نماید بقدری از تمرات مارتین و مار بوطاس *Macord* اکال و باید تجویز کرد که شاکر از این قرار
 کمتر بزرگتر است و شش ضرر بوطاس اکال و الکل قدر کمیت تا خمر گردد و اگر در اندام بعضی از
 شخص معیب بود و نادر باشد که اشتباه شوریست فی سبب را بجهت اشتغال شاکر بود
 میتا کل نمود ولی در هر وقتی که طبع شاکر کوی اطمینان ز شاکر و غیره نشسته باشد شاکر ساکن شاکر
 تفریح نشسته کرد حادث در خارج آنات تناسل را احتیاطا لازم و غیر ضرر خواهد بود زیرا که مسکنه قابل کردن شود
 که من بعد شاکر روز کرده موقع علاج موضعی که نشسته باشد چون مرضی در طب رجوع نماید تا در درجه شاکر
 کرده باشد علاج مختلف است از قرار نسبت شاکر و در شاکر با قاعده غلبه کافی است که روزی پنج
 شش دفعه موضع علی را تغیل کنند این پنج بگردن همسرخ کجور که با در بخوبی یک جز سوسنرینج و برکت و فانی

کل اسطوخودوس سنس از هر یک یک پونجه میخورد یا نوزده پونجه شش در آن را در برهوی معتدل گذارده بدست فشار دهد
 در طوبت حاصل از فشار را از کاغذ تصفیه نماید و تخمیل مکرر از شرائط لازمه علاج است بدلیل آنکه توقف
 در موضع موجب ازدیاد تفرج است و بدین جهت هم بر دفعه از ریشه کتان تفرج را پاک کنند و روزی یک دفعه
 علاقه تخمیل تفرج را آلوده سازند تا قلی از غیرات وارزن و چون شاگرد در مجرای بول باشد حشمت باین آدوم
 لازم گردد و در شاگرد سطحی مفید گردد و در مجرای تخمیل کف هم غیرات وارزن و یک مثقال برسم سادوم و در شاگرد
 با صلابت چون خوف شایع در پیش این سارین است باید روزی لی چهار دفعه و را پوشاند بر هر چه از کمال حشمت
 ایون و چون مختار بریم ترشح لی نهایت باشد تفرج را در دفعات عوض نمودن برسم شراب معطر فوق تخمیل
 کنند و چون وجع لی نهایت باشد جهت تخمیل محلول قوی از ایون بهتر از شراب معطر باشد و چون در هنگام
 شب حدوث نفوذ باعث سهر مغز گردد شب شب و والی سه عدد از این حبس بند بکیزد که فوراً است که
 عصاره ایون با آب شست کند هم لعاب کثیر بقدر کفایت تا شاتر زده شود و مادری عالی حشمت فرمائید
 بدین نحوه بکیزد که فوراً کند هم عصاره ایون با آب یک کند هم زرده تخم مرغ عدوت خالص سی مثقال
 هر چند در این قسم از شاگرد استقال غیرات وارزن بدان اثر نیست که در سارین بود ولی با وجود این مفید
 سخته آنکه یا نفع گردد از ازدیاد برآمدگی و چون بعد از استیام این قسم شاگرد صلابت باقی ماند بعضی است
 تخلف کرده اند که بویا بواسطه عمل بد جراحی خارج سازند ولی معلوم بر می گوییم که تجربات او در این باب زیاد
 این قسم عمل بد را میفیندند و در صورت عدم علامات عمومی هیچ علاج داخلی هم رجوع ننمایید بدلیل آنکه گردیده
 که این صلابت جزئی مادام ایجات باقی مانده است بدون اثر بر حالت عمومی بدن و به شامی استعمال فرم
 را در ادر زمان طولانی مفید اند ولی از قرار تجربات اطباء معروفه دیگر استعمال داخلی آدوم ز مقیه لازم گردد
 در هر صورت که جزئی صلابت در شاگرد باقی باشد خواه در حالت تفرجی باشد یا استیام چون بنا بر قول خود
 معلوم می گوییم از قرار تجربات خاصه و صلابت شاگرد بدلیل است بر آنکه ماده سریره بجمعی بدن است نمود
 و یا خواهد نمود و چون دیده اند که صلابت شاگرد که بعد از استیام باقی ماند استعمال جزئی زهق از داخل
 سهولت تخلیل برود و تدبیر فطرت میده بهین حالت صلابت باقی ماند در شاگرد کال تخمیری جسم
 باید خصوص منزل مرخص حالت تغذیه و در ملاحظه نمود بدلیل آنکه دیده شده که از توقف در آنکه مرطوبه بارده
 این حالت رذلت تا به بهر سازه که فوراً بعد از تخمیل شغل سخت نیاید و یا آنکه اشخاصی صلابت شاگرد
 با قاعده که در بلا در سیر است کرده بود صورت بسیار در بهر سازه بعد از ورود سرد سیر و یا آنکه این رذلت
 منوط بود یا مثلاً معده و در اینصورت از سهولت برش فوراً تخفیف کلی در جمیع علامات رذله حاصل
 میگرد و چون بواسطه این تدبیر لایق رفع عوارضات در را نمودیم و از علاج مذکور فوق حاصل نشود نیکو
 گردد و در زاریج سحوق و قطع اطراف ناموار بوسیده در شاگرد کال سرطانی شکل فصد و وضع علق
 و عدم حرکت و پیرسنگ کال و جلوس رما فائز به تخفیف شدت ورم لازم میگردونی در وضع علق لازم است
 که جنباط کنند از آنجا که در قرب تفرج و در موضعی که هم سهولت در او وارد گردد وضع نماید سخته آنکه در صورت
 اول باعث آماس لی نهایت گردد و در دریم سخته حادثه از علق موجب شاگرد جدید خواهد گشت و از این باب
 هم بعد از افادن علق فوراً موضع علق را پارچه آلوده محلول سناست دویم *Acetate de plomb* بپوشاند

که هم مانع

که هم مانع از ورود ورم و هم باعث التیام او بزودی شود
 اما علاج داخلی شاکر با بدانکه تا چند سال قبل از این عقیده غلبت طبایرین بود که چون شاکر بر زمینهای علاج
 او غیر ممکن باشد بدون استعمال داخلی دوینز مقته تا ورین از زنده آخره از تخریبات کله و امتحانات عدیده
 چنان معلوم گردید که چون شاکر بدون صلابت باشد اغلب غلظتی است موضعی و استعمال داخلی دوینز مقته
 در اولی حاصل بلکه مضرب باشد که اینک علامات سیلیه در موضع دیگر واضح و هویدا بود و یا اینکه صلابت در شاکر
 باقی ماند که در این صور از قراری که سابقا هم بیان نمودم استعمال داخلی زریق لازم گردد اما چون شاکر بدون
 صلابت رفتار نماید علاج داخلی متوسط است بر سینه و اساک از اغذیه و شکر به محرکه و حاره و عدم حرکت و خشکی
 در صورتی که علت دیگر بود و مرکب بود علاج داخلی مخصوص از قرار اشارات رجوع شود

اما بون *Bubon* که لفظ عوام معروف بخیارک است عبارت است از آس غده لیمفا تکی مخصوص در مغزین که در سینه
 مختلفه حادث شود مثلا در طاعون و خازر و سب از درد و ضربه و ضغطه در آن موضع و بطور عموم توان گفت که
 خیارک منت کرورم غده لیمفا تکی که تعریف او در صفحه دوم از گفتار اول از فصل دوم از باب دوم این مقام
 در صفحه ۲۸۹ ذکر نمودم ولی در اینجا فقط گفتگو شود از ورم مخصوص غده لیمفا تکی مغزین متوسط سیلیس و این قسم
 به نوع عارض گردید یا اینکه در حین بودن شاکر با سوزناک هویدا شود و یا اینکه بعد در حین علامات عامه
 سیلیه ظهور کند و یا اینکه عارض شود بدون مقدمات سیلیه در آلامت شاکر اول را بعد است
 بون برمی *Bubon pruriginosus* و قسم دوم با بون کن *Bubon constrictus* و قسم سوم
 بون در شبلی *Bubon d'embellie* نامند و حدوث بون را باید به نوع ملاحظه نمود اول اینست که تواند
 آس غده مغزین عارض گردد از ورم قضیب یا مجرای بول بدون جذب ده مسریه و فقط از سرایت حدث ورم
 آنها عارض گردد و در این صورت این علت نیست کرورم ساده غده لیمفا تکی که در مکان خود ذکر کرده دوم
 اینکه تواند تقرحات سیلیه در مجرای بول و یا در عضون مقعد موجود بود بدون اینکه طبیب از آنها مطلع باشد
 و در این صورت بون در محل امراض سیلیه باشد و در این وقت گویند ریم او در حله سالم مورث حدوث شاکر
 خواهد بود قسم تواند بون حاصل شود بعد از معدوم شدن درجه اولی سیلیس و در این صورت دلیل است بحد
 درجه ثانیه یا ثالثه اغلب در این حالت بون بی نهایت صلبی با عدم وجع است

اما تعریف قسم اول چون در موضع خود ذکر کرده در اینجا تکرار او تطویل بل حاصل است فقط گفتگو کنیم از ورم
 بدلیل اینست که قسم متوسط است بدرجه ثانیه یا ثالثه سیلیس که من بعد تعریف و علیحده خواهد بود پس دانستیم
 بون مذکور اغلب کنتالی پانزده روز بعد از بروز شاکر خصوصا نماید با حس نقل و وجع ارتمین و زمس جزئی برآمد که
 در سطح یا در عمق آن محل ظاهر گردد و بزودی حجم او اضافه شود و برخی از اوقات مانند فلفلیا بزودی غلظتی
 شود بر کم و برخی از اوقات دیگر آس تدریج فروده شود با عدم وجع و در حالت صلابت در مدت مدید
 بدون حصول ریم باقی ماند و در صورت اول ورم یا فله زینوری مجا در سرت کند و حالت مذکوره را
 بفرانسوی بون فلکمون *Bubon phlegmoneux* یعنی خیارک فلفلیه و شکل و هم بون این فدهات
Bubon inflammatoire یعنی خیارک درمی خوانند و در صورت دوم حالت ورم محیطی خود
 غده را منتهی ساخته میسوزد یا این برمی شدن نیست و معروف کرد بون این دوره *Bubon indurée*

صفحه ۲۸۹

یعنی خارک صلب به و سرخه شخص خارک بواسطه علامات خاصه رفیق و ابورسیم و امثال آن بی نهایت
سهل است ولی تشخیص این خارک سفیدی و غیره برخی اوقات بسیار صعب است مگر اینکه رجوع کنیم
بکوبیدن ریم خود بوی که در صورت سفیدی بوی باعث حدوث تفرج سفیدی خواهد شد و در صورت
دیگر این اثر از او هویدا کرد و بداند که بوی در حالت ریمی که ترکیب تفرج سفیدی ساده است مانند او
محتاج تفرج زریق و داخلی نیست اما خارک صلب نذرا شاکر با صلابت نسبت بر عمومی بودن با عمومی
شدن سفیدی است و مانند علاج شاکر با صلابت علاج صحیح بوی صلب نیست منوط با استعمال داخلی زریق است
و در صورت بوی از جمله علامات دیر درجه اولی سفیدی است که باعث طول علاج او است بخصوص
چون ریمی کرد که در این حالت خیره شاخ او نیز طولانی و باقسام مختلف تواند باشد به
اما تفرجه المعرفه چون انداز شاکر بدو نوع است اول منوط بخود بوی دوم منوط بشاخ آن به در باره اول آنکه
تفرجه المعرفه بوی ردی تر از تفرجه المعرفه شاکر میباشد پس اینکه مریض ناچار ماند بوقف در بستر بجهت آنکه حرکت
باعث تدریج و بیجان سوج و احتمال شاکر بریم و غوز اطراف جلد و سرطان است در امر نه خایمه و در اشخاص صلب
در مدت مدیده مستلزم برض دیگر بودند و با سکنی نمایند در ساکن طریقه و ایوبه غیر سالمه به چون بوی مزمن گشته علامت
شد رجای تخفیف نیابد احتمال کلی است بر اشخاص او بصلابت به در بوی که در مدت مدیده در حالت ریمی باشد
اغلب در وقت استیام آثار غیر متوی عمل نیکه است عمر باقی مانده نیست بر وجود بوی باشد به بیمار از اشخاص
از شاخ بوی بهلاکت رسیده اند چنانچه دیده شده که ریم حادث از او تا شریان مخدر رسیده و عیشیه و راقا
ساخته مریض از شیلان دم هلاک گردانید و یا اینکه مکان اجتماع ریم بی نهایت عظیم گشته و ریم به دوران دم
منجذب شده مریض جانرا تسلیم نماید علی بن ابی ایمره دردی برقع بوی بر دخت بدسل نیکه شاخ او را میتوان
شناخت و با حشیا طبقت که مانع از حدوث اشخاص شود به در باره احتمال سزایت ده سزیت تمام بدن در رخ
نیز چون احتمال سزایت مادی شاکر است تمام بدن و بوی مطلقا باعث علامات علامت گرانیکه صلب گشته
ولی در صورت احتمال سزایت بوی پیش از سزایت شاکر است بجهت حجم موضع مرض و وقت از طولانی
تفرج بوی عیبه که در صورت باید معنی نمود در تخفیل بردن بوی سزیت و خلافت که برخی از اطباء گمانند
که او را بجمالت ریمی برسانند بجان اینکه سمیت رخنه بخارج نماید بدسل اینکه از تجربه با ثبات رسیده که در صورت
ریم شدن بوی احتمال سزایت عمومی و پیش از سایر اوقات است و علامات عامه بعد از منفر گشتن بوی پیش
از این است که بوی منفر نشود باشد به

با علاج بهر نوع که بوی را علامت نماید تفاوت در ابتدا علاج نخواهد بود و در هر صورت تخفیل بردن و نگو زارتا
انواع علاج است و این منظور چند نوع حاصل میگردد اول علاج ضد ریمی است مثل فصد و نوشیدن شراب
بارده چون سلفات دو سو و *ate de soufre* و امثال آن و بعد از فصد وضع علق مکرر را بر اطراف آماس
مصاحبت رفاده سلول و مکنات و مخدرات دوم وضع شیخ یا ریف کوبیده است در مدت هست و چنان
الی چهل مشت ساعت و این قسم علاج مفید است و اغلب تخفیل بردن بوی را چون از ابتدا بدو رجوع شود ولی
نوع معالجه است با رحمت که در بعضی اشخاص غیر ممکن باشد سیم فشار است که بواسطه چند باره که است
کوچک شده به آب سردی بگذراند که در وقت شود و بوی ستمالی دوسه لا کرده بروی آنها و خود در اندکی و در

اطراف افشار دهند و در وقت قرار از یادمانند و اگر چه یک شب یک ساعت و جمع است ولی بعد از
 چهار ساعت و جمع فانی شده اما مستعد با تحلیل رود و چهارم وضع شمع در این است بدین نوع که بعد از
 حصول طاول و شکاف شدن موضع علیل را پیش از آنکه بر فاده مبلوله بخلول است کندم بولیمه *Sublime* در پنج
 مثال است مقرر که بعد از دو الی سه ساعت فلک سیاهی در تحت فاده هویدا و حجم بر آمده کی اضافه است هر دو
 اورا با صبه طیبه پوشانند و بعد از سقوط فلک سیاه مذکور تفرج حالت تفرج ساده را بدید کرده بزودی التیام یابد
 پنجم وضع اضده است از این قرار یکریغ صابون رخت شویی یا زده مثال بسیار خورد کرده شست مثال
 خردل سبزی و دو مثال مغز ان سی مثال آب تقدیر کفایت جمیع را بپوشانند تا مانند خمیر شده اورا کرک
 بروی پارچه پهن کرده بر موضع علیل وضع کنند و هر وقت سرد کردید اورا بکنید سازند و بخاطر اینکه زود سرد نشود
 شما در اغلیظ سازند و از وضع این قسم ضماد غلب جلد بعد از چند روز بکلی مانند طاول بال آمده خود بدین تحلیل رود
 ولی چون با وجود یکی از آن اعمال آماس تحلیل نرود و یا اینکه مرض بعد از حصول ریم رجوع نماید بطیب
 علاج منوط است بچند شرط مقابل عضون مغزین از قراری که در کتب جراحیه بیان میگردد و چون مرض
 رجوع کند بطیب بعد از انفجار بخودی خود و یا بعد از منجر ساختن بون و اطراف تفرج غلیظ و بخراب
 یا بداعلی بر کشته باشد و یا اینکه در جرم تفرج نواصیر صغیر خندی بود اگر در مدخل منوط است بخراب کمال
 یا اطراف نامهور نواصیر را زایل سازد و جهت ماط کند که اطراف غیر مستوی بکند کمالیتام نیاید و از این
 قسم عمل درم را قلیب سازد بواسطه وضع علق در جوف تفرج و در اطراف او ممنوع است وضع طلق رحله
 عمیق و اطراف غیر سالم و حبیب نماید از تفرج بدین است و بالعکس تفرج را پوشانند بر فاده مبلوله بخلول
 سولفات دو کو اورد *Sulfate de cuivre* و یا اشکانات روغن و برخی از اوقات اطراف

تفرج را آلوده سازند بخلول غیرات در آن :

اما علاج بون صلب که بفرشته تیر بون این دولان *Bubon indolent* یعنی بون بدون وجع
 خوانند به این حالت تواند از ابتدا موجود بود و یا مشهودت باشد و در هر دو صورت باید سعی نمود
 در تحلیل کردن و بدین منظور ابتدا غماش بنوشانند منهل است تخمه و جی مرتبانه صبر زرد و صابون با دام و برخی
 از اوقات امثون قی بمقدار منقسم که محلول باشد در مقدار کثیری از آب بسیار نافع بوده در تغییر دادن بیجا
 و صلابت و باید بعد از سه روز فوراً بنا که از بد علاج زبیدی خواه داخلی خواه بطرز تدبیر و استعمال داخلی
 کمال متداول است در صورتیکه علت حادث بود و بولیمه نافع بود در صورتی که مرض از زمان پذیرفته باشد و از
 خارج متداولست استعمال ادویه محلوله موضعی چون مریم زینق رمادی یا صنم و شوکران یا نوشادریا بدین
 برهمی آید و زرد و نو تا سیوم یا دو تو اورد و در *Deuto-iodure de mercure*

و بطور عموم بدانکه همچنین که علاج جراحی در هر یک از قسم بون لازم است همچنین علاج داخلی هم در هر یک
 لازم کرد و بدین منظور بخصوص ملاحظه شود حالت اللات تغذیه در استعمال غذا چنانکه در امر جد و بود ممنوع بود
 اغذیه حیوانیه و بالعکس استعمال مقویات اغلب لازم است در امر جد و خنازیریه و برخی از اوقات در قسم
 از بون علاج مخصوص سیفیلیس را شرط لازم در معالجه دانند و برخی دیگر فقط در صورت صلابت بون بود
 رجوع کنند و با عقا و حقیر علاج زبیدی لازم است در هر حالت صلابت بون و در هر صورتیکه علامات سیفیلیس

Mucosa de pennis

دیگر موجود باشد و در اوقاتیکه بون کون سکو تفت *subcon* و یا *de emblee* بود
 اما گنگه *Landolome* عبارت است از برآنده کی لین در جلد یا در غشا، مخاطی اغلب در مقعد و نادره در
 ابتدای کتد بتولول برآمده و جنناک و مختلف اندک اندک عیسی یا فردا مقعد و بیانشه و برخی از اوقات
 بریم منسن الراجیه دموی از آنها می بلاید و برخی از اوقات دیگر بدون ترشح مخصوص ظهور نماید یا قسمی از او
 که قسط است اغلب ظاهر ترشح ندارد ولی چون عضون مقعد را باز نمایم رطوبت خاصه در سطح است
 عضون هویت و اطباء و رنگ آنها از قرار شباهت با پنجه یا تاج خروس با سامی مختلفه موسوم نموده
 و هر چند در ابتدا نظر علامات بسیار رویه دارند ولی با وجود این علاج آنها اغلب سهل است بدین نوع که برخی
 از اوقات فی لقمه خشکیده موضع آنها پوشیده شود بظس که بتدریج ساقط شده جلد سخت او بدون اثر از ترشح
 باقی ماند و برخی اوقات تقسین محلول بولیمه فقط کافی است؛ ولی گنگه لم مخروطی شکل که هم در سیفیلیس
verruca عیسی بتولول کوفی خوانند برآید که بیانی است شد مخروطی شکل بدون تغییر لون
 جلد با سطح غیر مستوی و بیوست که در کل ظاهر بدن هوید اگر دند و در صورتیکه همراه شاکر بود دال بر عمومی
 شدن سیفیلیس نمیشد و مانند آنها از علاج موضع سیخالی و مخصوص استتعالی موضع استتات دوم
 معدوم کردند ولی چون مرکب علامات درجه ثانیه و ثالثه سیفیلیس ظهور کنند بسیار دیده شده که بواسطه
 استعمال دویدر مقده از داخل جمیع علامات سیفیلیس ثانیه و ثالثه می توانی که بجاالت خود باقی مانده تا بعد از
 علاج حالت عمومی است از بواسطه قطع با ادویه اکا لکوزیال مباحث شده و از بهترین ادویه اکاله در اینصورت
 دو تو ترات دوم کور *deutanitrate de mer* و یا خمیر طبعه و یا باط دوکان کوان
Pâte de Languoin است عیسی صد و پنجاه جزا بشود و کلور است ووزنگ
Hydrochlorate de zinc و پنجاه جزا آرد گندم و آب بقدر کفایت تا خمیر شود
 اما سوزنگ ذاتی مرکب نیست مگر سوزنگ ذاتی که علامات و علاج او را قبیل از این در صفحه پنجم از این
 فصل در صفحه ۱۱۱ بیان نمودیم که مرکب باشد با شاکر و بون و یا علامات درجه ثانیه و ثالثه سیفیلیس
 و در این صورت علاج منوط است بعلاج موثقی که در صفحه مذکوره و در این صفحه در تقریض شاکر و بون ذکر کرده
 یا بعلاج عمومی درجه ثانیه و ثالثه سیفیلیس که بیان او خواهد آمد؛

صفحه ۱۱۲
 و صفحه ۱۱۳

ظهور نماید و حال معلوم است که علامات درجات ثانیة کلی از یکدیگر متفاوتند و یک خط مسدود مخصوص مخصوصا علاج خاص
هر یک خاکه در درجه اولی علت غیر متحرک و مومنی است و در درجه ثانیة عام و متصل متحرک است و در درجه ثالثه ساکن
در تنوع عمیق است

در تعریف درجه ثانیة اولی بطور مقدماتی چند تفصیل عمومی و بعد بطور مخصوص هر یک ازقسام ظل منوط بدوران
فردا و دایان میباشد

طرز و خول و سیفید در بدن مخفی است و فقط آثار او را مشاهده میکنیم و هر چه مزاج قوی تر است احتمال عورت
سیفید کمتر خواهد بود و بهولت سرات پیشتر است در اطفال و جوانان و کمتر در شیخ و بخصوص منوط است
بسن بیستالی چهل سال و ذکر پیش از آنکه بگفتند و هر چند این مطلب برخلاف قول سابق است که قوی لا بمر
کمتر استلا شوند ولی احتمال این است که اغلب مردان پیش از زنان بجا ممتد حریص اند

بروز علامات ثانویه مختلف است از بیستالی پنجاه روز بعد از حدوث سرات است که برخی از طبقات
بر این اند که علامات ثانویه توأمنند بدت کثیره مخفی بود و بعد روز نمانند و برخی از اوقات بالعکس علامات
ثانویه در جن وجود علامات درجه اول غالب میگرددند

علامات درجه ثانیة در جمیع مواضع یک پنج بروز نمینند مثلاً در امره میفایند و در اشخاص مستلا با مراض مزمنه علامت
سیفید مزاجی بروز کند در جلد و در امره دموی اغلب بروز علامات ثانویه در عین و در مستعدین بر ما طبعیم اغلب بعد از
حدوث سرات علامات درجه ثالثه و نادر علامات درجه ثانیة مستلا گردند و نیز بروزند در این باب بعضی از اطفال
عاید یا موجود بودن بعضی از امراض چنانچه در اشخاص معتاده بقلیان یا چوبوق و در مستعدین بعظم لوزین یا وجع
حلقوم مرض اغلب ولاد لوزین و یا در مجاور او خود را ظاهر سازد و اشخاصیکه استعداد کام دارند اول ظهور علامت
سیفید عارضه را در می بینند و در اطفال خنسیع اغلب علامات اولیه در مقعد ظهور نمینند و در اشخاص با سن بچگانه
اغلب ظاهر گردد بطور فلس در جلد پس بطور ذوق بروز کند و در اشخاص سمن بطور بیورات بهر نوعی که باشد فشار
علامات درجه ثانیة سیفید از خارج با فعل است سهل است که در درجه ثالثه در ابتدا گردیدن عظام اول منبرج و بعد مجرم
عمقی مستلا میگردد

رشار سیفید عام سیصد سال قبل از این سرعت تام بوده بود و علامت یک مسکر دندولی در زمین
از زنده سیفید مزاجی مرضی است نرمن یا در قاربتانی بهر چند در هر یک از علامات و بطور عام در قاربتانی سهل است
که برخی از اوقات دیده شده که بواسطه تغییر طایفه یا حرق سحرانی بی نهایت و یا اسهال نرمن مرضی
از سیفید مزاجی و علاج خاص شفا یافته ولی چون این نوع از علاج نادر است سیفید کل مزاج را تانی فاسد
ساخته باعث رانی متمم *eachitame* و سل و غیره شود و بسیار است که بحد امکان بزودی بطور لایق و دراز
شخص مزاج سیفید بد نوع است و لا انکه با مدین نمود که مرض حقیقه سیفید است یا نه تا با یاد ما این درجاست
شخص نسکو داده شود ولی هر چه از اول بروز نماید میگذرد شخص در بابت صعوبت بهر ساند خاکه علامات درجه
ثانویه صعب تر شناخته شوند تا علامات درجه اول و علامات درجه ثالثه مخفی تر از علامات درجه ثانیة اند پس
بر حسب است که بنسکوئی مقدماتی را ملاحظه کنند مثلاً از بودن شاکر در پیش میتوان گمان کلی بر وجود علامات درجه
ثانیة حاصل کرد و بعد آنکه چون سوزنکاتی در قبل مسیح و لیلی بر این علامات نیست چنانکه رنگ بودن سوزنک

بناگر عویت چدن ندارد و مود کلی بر شخصیت خواهد بود و ملاحظه نسبت علامات بموضع مخصوصه خون بود
تقرحات در مقعد و در حلقوم و در جلد و تحت یا فن علامات استعمال زینق و در صورتیکه بر نوع تشخیص
صعب بود استعمال افغانی بوریات دوقر *muricata* بدست نهد روزی باعث سهولت
تشخیص کرد و خانچه در ابتدای این فتره پان شده

در فتره

تقدّمه المرفه علامات ثانویه و ثالثه سیفلیس روی نیست بر این جهت که خود سیفلیس را در باعث بلاکت است
ولی از طول دوام و بعلاوه بر زایل ساختن بعضی از خواص خمره و فساد مزاج برخی از اوقات سیفلیس
سل و مریض هملکه عظام شود و در دانت سیفلیس متوسط است بقوه یا ضعف مزاج چنانکه جنین مستعد سیفلیس
ارنی بسیار درت در حال حیات تولد شود و طفل ضعیف بدین سیفلیس گشته از عدم تغذیه و تشبه بلاک کرد
و در شبان علامات بار دست بان شدت نیست بلکه فقط علاج در آنها صعب در هر صورت طول و ام من
زیاد بود و بیشتر تمام سیفلیس مقلد سازد و امره تمیغاتیکی و صفراوی را به تقدّمه المرفه متوسط است نسبت بابت هواخان
در اجوبه خار و علامات اشذولی علاج سهل بعکس در اجوبه بارده که بروز علامات بتانی است و علاج هم سهولت

بهرسانند و در دانت و خوف از کلس شتر خواهد بود از قرار طول از زمان به
علاج به اگر چه در ابتدا این فتره بعضی از تفصیلات علامه در باره ادویه مستعد سیفلیس مان شده ولی باز تا چارم که بجهت
توجه طلب تفصیلات مخصوصه استعمال آنها را بیان نمایم پس آنکه چون سیفلیس مرضی است مخصوص در علاج او چون
مرض دیگر باید مشکولی عوارضات متوسط مزاج و سن و حالت عمومی مرضی را ملاحظه نمود تا علاج مخصوص او سهولت کرد
از این جمله چون اغلب اوقات حالت بجانیه یا درم موجود است باید ابتدا نمود بر رفع آنها بواسطه ادویه مخدره و
در موی چون استعمال آنها علامات مخصوصه تشخیص نماید چنان مکان نمود که استعمال آنها تشخیص
بدون علاج مخصوص دیگر علت سیفلیس شفا یزد و همچنین در باره پریندر جمیع اوقات و در جمیع ناس یکسخت
نمایم مگر تفاوت گذاریم نسبت بامرّه متفاوته مثلاً اغذیه ضد درم باید استعمال باشد در امرّه و مویه و اغذیه مقویه باشد
در بزرگناریه و در اشخاص ضعیف نسبه به و باید تسلی و در صحن علاج طبیب علی الدوام حالت آلات تغذیه
باعتنا نماید و مانع گردد از بیوست مزاج که موجب تاخیر در علاج است و مرضی است تا بابت یاد از اغذیه لطیفه التحلیل
و چون جلد با خونت باشد بقصد امکان استخام نماید در باره فتره تا ترشح عرق سهولت بهرسانند

در فتره

در باره ادویه مخصوصه که تشخیص بر لی از اقسام مختلفه آنها در ابتدا این فتره بیان شده با آنکه زینق متداول ترین
اسفانت و اگر چه برخی از اوقات بدل و چون امیون و طلا و مس و امثال آن توان استعمال نمود ولی بجز
در باره استعمال زینق بطوری صحیح و معین شده اند که توان من بعد اثر خاص او را منکر کرد و سهولت است که چون
باعاده ادویه استعمال دارند اثر او در سیفلیس چون اثر که در نوب است و چون استعمال نالاین و از خلاف پریندر
مرضی شفا حاصل شده باشد باقی تمام ادویه معدینه و نباتیه ضد سیفلیس دیگر رجوع نمایند به و اگر چه عقاودا با اثر خود
سیفلیس تمام است ولی خنثی است که در استعمال و در همه بوقوع این تاثیر میاید مثلاً جویه در درجه اول
سهولت است سهل است که مضر بود دلیل آنکه چون در حین ظهور علامات درجه اول که بدون سلامت موجود
باشد استعمال شود بسیار دیده شده که در حین استعمال و علامات درجه ثانیه بروز نگردد و نماند نسبت که شخصی که متضرر
بر مینق کار میکنند چون معدن کاران و آینه سازان و مطلق کاران بتلاش نخر و بوسن کردند به و برخی از اطباء منع کنند

استعمال زینق

استعمال زینق را بجهت آزار دهنه چون سیلان بزاق و رقت دوم و در عهده که بواسطه استعمال و تواند برود کند
ولی با عتقاد حقیر این آثار و خلقی تعینت زینق ندارد بلکه در هر صورت طیب تواند حدوث آنها را مانع شود
بواسطه استعمال بقاعده و نام دلیل بر تنگی استعمال زینق و انیم علاج یا فتن شاکر با بوبن و سایر علامات
درجه نماند که بواسطه علاج زینقی بزودی شفا یابند

در باره طرفه استعمال زینق و مفیدترین ترکیبات و دیگر که زینق استعمال است از داخل و از خارج
در صورتیکه آلات تغذیه سالمه بهترین نوع استعمال زینق استعمال از داخل است بسبب اینکه در انصافیت مغز
زینق جذب شده معین است ولی چون آلات تغذیه سالمه بوند نیکو بود و سنجید زینق یا علاج محلوله و از طریق
جلد و برخی از اوقات چون علت زیاد عام شده باشد استعمال داخل و خارجی در یک زمان لازم گردد

استعمال زینق بر جلد نوع بدین است یا بنوع جلوس در محلول اول بنوع بخار و تدبیر او بواسطه مرهم رمادی است
اما چون طرز ساختن مرهم رمادی متداول علی است بی نهایت صعوبت طولانی لهذا در ایجاد و نوع ساختن
آن مرهم را بیان می نمایم که بدست نیم ساعت توان ده سیر و اریطر خوبی بعمل آرد و نوع اول بگرد زینق پنج سیر

مولف نور دو مکرور *... de mer...* پنج نخود دره و ن زجاجی این دو با هزار اب نیم سیر مرهم

ساده بدست ده دقیقه ساند تا زخم کشته شود بعد که کشته شد چهار سیر و نیم مرهم ساده داخل نمایند به نوع دوم
بگرد زینق پنج سیر و از آنکه کتبتقال آب سی قطره هر سه و در آنون زجاجی سائیده و مخلوط نموده و تسبیح
پنج سیر مرهم ساده داخل نمایند به در نوع اول مقدار کبریت از زخم نور دو مکرور بقدری قلیس است که اثری از او
ظاہر نشود در نوع دوم دار آنکه صحت بیق تبدیل شود کجلی که در هر سه موقع و موضع که اشاره بر استعمال

زینق خام باشد از او علی خلاف عمل زینق بر روزی نماید به طرز استعمال متداول مرهم زینق رمادی تدبیر نیم
مقدار است بدو سخته اینکه در جانب انسی جذب بیق سهل است نسبت بسایر مواضع بدین نوع که هر روز یکی
از فخذین را تدبیر کنند به نیم مقدار استعمال از مرهم مذکور و در ابتدا هر دو سه روز یک دفعه فخذ را تدبیر کنند بجهت آنکه سیلان بزاق
بزودی حاصل شود و بعد از مدتی ده الی دوازده روز هر روز یکی از فخذین را تدبیر نماید و یا بدین از فوق

بخت از قرار خواب بویا باشد تا یک بعکس خواب مودین کنند که باعث آگرم *... و ...* توان کرد و در
مالیدن زیاد و حفظ بر جلد زینق که موجب حریت شود و برخی از اطباء بجهت منع نمودن این قسم از جوهر صفت
طرز تدبیر را بدین را بدین نوع قرار داده اند که روز اول سطح انسی مایق این را و روز دوم سطح انسی فخذ را

و روز ششم سطح انسی ساق سیر و روز چهارم سطح انسی فخذ سیر را تدبیر نمایند و در زخم دوباره چون روز اول
رفا نماید به در در حین این قسم از علاج باید مریض بر جا بماند که چون زینق آلوده گردد بر جلد مریض
اثر شمع زینقی نماید و علاوه بر این باید مریض از معافیت داشت تا تاثیر بر دست بویا که در این قسم از علاج است
از سایر قسم علاج حادث میشود و معلوم است که بهین جهت در شستن این قسم از معافیت بعضی احتیاطها دارد

چون مریض در این قسم از علاج نیست مگر جذب بیق معلم فرانسی لالمان *... نام* پس از بدین
مرهم را در محل اطباء تجویز مینماید که این قسم از عمل خندان گشت ندارد و مریض صحاف تر از اثر برود
مواست

و در نظر طب معروف فرانسی کلوری *Lullier* و رایت *Antier* نام عوض مرهم رمادی

از کسکستمند و با عقا و آفتها جان سخت مرهم را دی التون را می کشد بدون کثافت و صنایع نمودن کسکس
 مرصع با بعضی از اطباء مرضی او وضع نمایند در آبی که سوخته در او محلول باشد و لی طرز رنگوبی با عقا و حقیقت
 بدلیل اینکه طبیب تواند مطمئن باشد از مقدار کمی که منخوب میشود بخصوص در موضعی از موضع بدن که بشود بخرج
 با قانی شده باشد و همین ایراد است در استعمال کلل و شرف که مرضی را بدخان اومی نشانند بنوعی که اطرا
 بدن در اینجا درمی حالت نمایند و راس او خارج باشد ولی با وجود این برخی از اوقات ناچار گردیم بر این قسم
 از علاج و در اینصورت بر طبیب است که بمقدار قلیلی ته نماید و برخی از اوقات دخان شرف کلل معجزه نماید
 در سینه فیلسر حله هم بواسطه اثر موضعی چو هم بواسطه اثر بخار کبریت هم بواسطه درجه عظیمه حرارت که باعث
 ترشح شدید عرق است

قدما از اطباء درصین این قسم از علاج مرضی را منع میکردند از سرورن رشن از اطلاق ولی لزومی ندارد که در امور با
 و در ایام مطهره بلکه حرکت در روز آفتاب مفید بود و باید مرضی تغذیه سهل و معضم نموده که بمقدار قلیل قوه غذاینه
 کثیره داشته باشد و اجتناب کند از هر چه بطبی الخفیل و قلیل التغذیه بود ولی اجتناب از رخ طعامی که بعضی از اطبا
 سنجو زینهاست و قوی است با فایده و بلا دلیل که در صورتی که علاج شود کلل و در هنگام علاج زینتی دیگر هیچ
 اثری از نمک طعام ظاهر نمیشود و چون کسی دلیل قول ما را سوال نماید جواب گوئیم که نمک با زینتی خام و شرف
 و بدار اشکله هیچ اثری نمی کند مگر آنکه باعث اختلال دار اشکله است ولی چون درصین علاج کلل که اغلب بمقدار
 یک الی دو کتدم در روز نوشته شود مرض نمک طعام شش از آنکه در نتیجه لازم است بنوشد یک الی
 دو کتدم کلل بدل یک کتدم و نیم الی سه کتدم دار اشکله خواهد بود و این مقدار مملک خواهد بود

از ترکیبات زینتی که از داخل استعمال شوند بهترین آنها با عقا و حقه در درجه ثانیه ذو تو ایو و ذو زو و ذو کور
aducto-induro de nature است از این قرار چهار کتدم او را با پست و چهار کتدم
 عصاره شوکران و یا عصاره چوبه همین وزن با یک مثقال رب السوس سی و دو حبه سبز که روز اول
 یک حبه بند و روز دوم یک حبه بند و اگر در چهار حبه سدولی اطباء دیگر نیز سایر ترکیبات زینتی را
 استعمال دارند از جمله سب ازرق که بفرانسه پلول بلو *salutes bleues* گویند و حتی از زینتی و این و یا
 محلول را شکله در آنکه هر سه در قرابادین سفینه مذکورند ولی مگر نمایم که از بهترین ترکیبات زینتی که باید
 در این بسنگام شربت معلوم نیز *aducto-induro de nature* نام است که قبل از این در همین فقره در تعریف مذکور
 گردیده و ردی ترین ترکیبات زینتی باشد بر قسم از خوب با مغزنان که بزودی صلب گردند و اغلب
 همین طور که بعد و وارد گردند از معاستم خارج میگرددند

اما علامات درجه دوم سینه فیلس در جلد بر سه نوع میباشند یا که با پولک *aducto-induro de nature* یعنی آنه دانه یا بشور
 و چون این مطلب داخل در عنوان امراض جلدیه است و در کتاب موسوم برش الا بدان از مؤلفات حقه در این
 باب کتاب شفا حله کرده اند پس از این مطلب را در اینجا مفصلا بیان نمیکنیم
 پس بدانکه که تا سینه فیلس در جلد بروز نمایند بدون قاعده شکل معین بلون قوه یا نحاسی و بدون برآمدگی جلد
 و بدون رطوبت ترشح معینی متصل فلسهای صغیره مثل سوس کشند هم از او مساقط گردند و اکثره بود شوند در قسم
 و صفت سرد و در بطن و در اطراف عالمیه و مسافله و نا در در وجه و در قسمی از اسکن با شعر پوشیده شده است

صفحه ۱۱

صفحه ۱۱